

نقش تعدیل کننده حکمرانی خوب در اثرگذاری وابستگی اقتصادی به درآمد نفت و تغییرات اقلیمی بر شادمانی در کشورهای منتخب نفتی

فرنوش السادات صدیقی^۲

دانشجوی دکتری رشته اقتصاد نفت و گاز - حقوق و قراردادهای نفت و گاز، گروه اقتصاد، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (fsadri100@gmail.com)

نارسیس امین رشتی

استادیار، گروه اقتصاد، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (n.aminrashti@iauctb.ac.ir)

آزاده محرابیان

استادیار، گروه اقتصاد، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (aza.mehrabian@iauctb.ac.ir)

رؤیا سیفی پور

استادیار، گروه اقتصاد، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (roy.seyfi pour@iauctb.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۸

چکیده

به دنبال تکامل مفاهیم اقتصاد و رفاه، مفهوم شادمانی در کنار مفاهیم ثروت، مصرف و تولید از اهمیت زیادی برخوردار شد. درآمد حاصل از فروش منابع طبیعی همچون نفت و تغییرات اقلیمی که از مصرف این منابع ناشی می شود، از عواملی هستند که با توجه به نوع حکمرانی دولت ها می توانند بر شادمانی تأثیرات متفاوتی بگذارند. هدف این مقاله تحلیل اثرات آستانه ای وابستگی اقتصادی به درآمدهای نفتی و تغییرات اقلیمی بر شادمانی در ۱۴ کشور نفتی با تأکید بر حکمرانی خوب طی دوره ۲۰۲۳-۲۰۰۶ و با استفاده از رگرسیون انتقال ملایم تابلویی (PSTR) است. نتایج نشان داد که حکمرانی خوب به عنوان متغیر انتقال برای تابع شادمانی دارای حد آستانه ای برابر با ۰/۳۴ است و سرعت انتقال از رژیم اول به رژیم دوم برابر با ۲۶/۲۲ می باشد. شاخص حکمرانی خوب بر شادمانی در هر دو رژیم اول تأثیر مثبت داشته، اما در رژیم دوم این اثر بیشتر شده است. اثر وابستگی به درآمد نفت بر شادمانی در رژیم اول منفی و موید فرضیه نفرین منابع و در رژیم دوم بی تأثیر بوده است. تغییرات اقلیمی در رژیم اول اثر منفی بر شادمانی داشته، ولی در رژیم دوم اثر معناداری نداشته است. نرخ بیکاری در هر دو رژیم اثر منفی بر شادمانی داشته، اما این اثر در رژیم دوم افزایش یافته است. با توجه به نقش کیفیت حکمرانی که

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری فرنوش السادات صدیقی در رشته اقتصاد نفت و گاز - حقوق و قراردادهای نفت و گاز در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، به راهنمایی دکتر نارسیس امین رشتی و مشاوره دکتر آزاده محرابیان و دکتر رویا

سیفی پور می باشد

۲. نویسنده مسئول

علاوه بر اثر مثبت بر شادمانی منجر به از بین رفتن نفرین منابع و بهبود شرایط اقلیمی نیز شده، لازم است اصلاحاتی همچون اجرای سیاست‌های مناسب و اصلاح نظام اداری به‌منظور بهبود کارایی و اثربخشی دولت، کاهش بوروکراسی ناکارآمد، انتخاب مدیران بر اساس اصل شایسته‌سالاری و تقویت پاسخگویی دولت و ایجاد شفافیت در فرآیندهای تصمیم‌گیری در راستای بهبود کیفیت نهادهای حکمرانی در دستور کار برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران کشورهای منتخب قرار گیرد.

طبقه‌بندی JEL: Q53, I31, H11

کلیدواژه‌ها: وابستگی اقتصادی به درآمد نفت، تغییرات اقلیمی، شادمانی، حکمرانی خوب، رگسیون انتقال ملایم تابلویی.

۱- مقدمه

جستجوی شادی و خوشبختی توسط انسان‌ها از مهمترین اهدافی است که از زمان فیلسوفانی همچون ارسطو^۱، بنتام^۲ و میل^۳ مورد توجه بوده است. بنتام به عنوان نماینده مکتب اصالت فایده^۴ معتقد است که در بین امکانات متنوع موجود باید آنچه برای افراد لذت بیشتری دارد، انتخاب شود. اقتصاددانان نئوکلاسیک نیز اغلب به منظور اندازه‌گیری رفاه جامعه مفاهیمی همچون ثروت، دارایی، مصرف و پول را در نظر می‌گرفتند، اما امروزه مفهوم شادمانی در مقایسه با رفاه مادی، جایگاه ویژه‌ای در تحلیل‌های رفاهی بین اقتصاددانان یافته است (گراهام^۵، ۲۰۱۱). هرچند شادمانی پدیده‌ای روان‌شناختی و اجتماعی است، اما پدیده‌ای مادی نیز به حساب می‌آید. براساس مطالعات تجربی مختلف، میزان شادمانی و رضایت از زندگی انسان‌ها در عملکرد اقتصادی آن‌ها نقش به‌سزایی دارد، زیرا رضایت از زندگی به بهبود هوش، توانایی، انگیزه و در پی آن افزایش یافتن بهره‌وری منجر می‌شود. افراد شاد، آسان‌تر تصمیم می‌گیرند، خلاق‌تر هستند، از روحیه مشارکتی بالاتر و تعامل سازنده‌تری با دیگران برخوردارند (منصف و همکاران، ۱۳۹۸). محققان مختلف تاکنون عوامل اقتصادی، اجتماعی، روانشناختی و فرهنگی که می‌توانند بر شادمانی افراد جامعه مؤثر باشند را مورد بررسی قرار داده‌اند. در میان تحقیقاتی که عوامل اقتصادی مؤثر بر شادی

1. Aristotle
2. Bentham
3. Mill
4. Utilitarianism
5. Graham

را بررسی نموده‌اند می‌توان به مطالعاتی در زمینه اثر درآمد بر شادی (استرلین^۱، ۱۹۹۵؛ کاربلی و سدرینی^۲، ۲۰۰۹؛ بهرا و همکاران^۳، ۲۰۲۴ و آنیتاساری و آنیسکا^۴، ۲۰۲۵)، اثر نابرابری درآمدی بر شادی (آلسینا و همکاران^۵، ۲۰۰۲؛ اویشی و همکاران^۶، ۲۰۲۲؛ آنیتاساری و آنیسکا، ۲۰۲۵)، اثر ثروت بر شادی (آرگایل^۷، ۲۰۱۳؛ نگوین و له^۸، ۲۰۲۱)، اثر تورم و بیکاری بر شادی (نابه و راتزل^۹، ۲۰۱۰؛ لی و همکاران^{۱۰}، ۲۰۲۳) و اثر سیاست‌های پولی بر شادی (راپرا و لیونگاس^{۱۱}، ۲۰۱۱) اشاره کرد. از دیگر مواردی که می‌تواند بر میزان شادمانی افراد جامعه مؤثر باشد، ویژگی‌های محیطی و شرایط زیستی کشور است. نخستین بار ویلسون^{۱۲} (۲۰۰۰) ارتباط بین شادی و محیط‌زیست را با بهره‌گیری از نظریه بیوفیلیا^{۱۳} که برای توصیف ماهیت ارتباط و پیوند تنگاتنگ بین انسان‌ها و طبیعت و دیگر اشکال حیات مطرح می‌شود، توضیح داد. بر اساس مستندات فراوان، حضور در طبیعت به کاهش سطح اضطراب و افسردگی، افزایش اعتماد به نفس و بهبود سلامت افراد منجر شده و در نتیجه به شادمانی افراد می‌انجامد. از طرفی محیط‌زیست دربردارنده منابع طبیعی و خدادادی (همچون نفت، گاز، معادن سنگ، جنگل‌ها و مراتع و...) است که می‌توان با تشکیل بازار و فروش آن در داخل و خارج از کشور در تولید کالاها و خدمات مورد نیاز از آن‌ها بهره جست و از درآمد حاصل از فروش آن به خارجیان نیز درآمد کسب نمود (حسابی و همکاران، ۱۳۹۷).

یکی از ویژگی‌های کشورهای که محیط‌زیست سرشار از منابع طبیعی دارند (مانند ایران) تک‌محصولی شدن و وابستگی ساختار اقتصادی آن‌ها به درآمدهای حاصل از صادرات این منابع به ویژه منابع نفتی می‌باشد. این موضوع سبب ارتقای جایگاه بخش نفت در تولید ناخالص داخلی اینگونه کشورها شده و به دلیل انتقال شوک‌های جهانی

1. Easterlin
2. Carabelli & Cedrini
3. Behera et al.
4. Anitasari & Ariska
5. Alesina et al.
6. Oishi et al.
7. Argyle
8. Nguyen & Le
9. Knabe & Rätzl
10. Lee et al.
11. Ruprah & Luengas
12. Wilson
13. Biophilia

قیمت نفت به اقتصاد داخلی و اثرگذاری آن بر متغیرهای خرد و کلان اقتصادی کشور به معضلی اساسی برای اقتصاد این کشورها تبدیل می‌شود (اصغریور و برادران خانیان، ۱۳۹۷). تا کنون مطالعات محدودی در مورد اثر وابستگی به رانت و درآمدهای نفتی بر شادمانی انجام شده که به نتایج مشابه و یکسانی منتهی نشده‌اند. از جمله این موارد می‌توان به مطالعات اسلسمن^۱ (۲۰۲۳) و لو و سهیل^۲ (۲۰۲۲) که به اثر مثبت رانت نفت بر شادی و مطالعات الماساه و حسنین^۳ (۲۰۲۲)، میگنامیسی و کوته^۴ (۲۰۲۱) و علی و همکاران^۵ (۲۰۲۰) که به اثر منفی رانت نفت بر شادی دست یافتند اشاره کرد. از طرفی مطالعاتی نظیر اسلسمن (۲۰۲۲) و اوپالیه و نواچاکی^۶ (۲۰۱۹) اثر معنی‌داری بین رانت نفت و شادی نیافتند. نتیجه مطالعات داخلی همچون صداقت کالمرزی و همکاران (۱۴۰۰) و (۱۳۹۹) به اثر غیرخطی و آستانه‌ای رانت نفت بر شادی به صورت U معکوس در کشورهای عضو اوپک دست یافته‌اند. فرجی دیزجی و همکاران (۱۴۰۲) نیز اثر منفی رانت منابع طبیعی بر شادکامی را در کشورهای منتخب دارای منابع طبیعی سرشار نتیجه گرفته‌اند. با توجه به عدم دستیابی مطالعات در مورد اثر رانت و درآمدهای نفتی بر شادمانی نتایج مشابه، ارتباط این دو متغیر با یکدیگر همچنان مبهم باقی‌مانده است. به عبارتی درآمدهای نفتی و رانت حاصل از آن از طرق مختلف و به صورت مثبت و یا منفی قادر به اثرگذاری بر شادمانی مردم جامعه هستند و یا حتی ممکن است بر شادمانی بی‌تأثیر باشند و همین اثرگذاری متضاد و متفاوت می‌تواند دلیلی برای توجیه وجود رابطه غیرخطی بین درآمد و یا رانت نفت با شادمانی باشد.

همانگونه که حضور در طبیعت و برخورداری از مواهب خدادادی موجود در آن بر شادی تأثیر مثبت دارد، به همین ترتیب صدمات و آسیب‌های زیست‌محیطی می‌تواند شادمانی افراد را به طور قابل‌توجهی متاثر نموده و اثرات مستقیمی بر سلامت جسم و روان افراد برجای بگذارد. به‌ویژه در دنیای مدرن و صنعتی امروزی به دلیل استفاده بیشتر از منابع و انرژی‌های طبیعی در تولید کالاها و خدمات مورد نیاز جوامع و

1. Slesman
2. Lu & Sohail
3. Elmassah & Hassanein
4. Mignamissi & Kuete
5. Ali et al
6. Opaleye & Nwachukwu

همانطور که پیشتر اشاره شد، وابستگی اقتصادی به درآمد منابع که منجر به برداشت بیشتر و بعضاً تخلیه منابع طبیعی می‌شود، اثرات مخرب زیست‌محیطی به معضلی برای جهانیان تبدیل شده است. از اواخر سده ۲۰ میلادی تهدیدات زیست‌محیطی شکل جدیدی پیدا کرد که یکی از مهمترین آن‌ها، تغییرات اقلیمی می‌باشد (کریمی‌پور، ۱۳۹۰) که به مفهوم وقوع تغییرات در میانگین، حداقل، حداکثر، پراکندگی و سایر آماره‌های عناصر اقلیمی است (فیلد و باروس^۱، ۲۰۱۴). در دنیای امروزی شدت و فراوانی مخاطرات محیطی ناشی از تغییرات اقلیمی رو به افزایش است، به طوری که در سال‌های اخیر تلفات جانی زیادی را به همراه داشته است (توماس^۲، ۲۰۱۷). تغییرات اقلیمی با تحمیل نمودن هزینه‌های اقتصادی به کشورها، رشد اقتصادی آن‌ها را با مشکل مواجه کرده و از این طریق نیز بر شادمانی افراد تأثیر منفی برجای می‌گذارد (صادقی‌نیا و همکاران، ۱۴۰۰). از طرفی در مقایسه میزان شادمانی بین مردمان کشورهای فقیر و غنی تفاوت‌های فاحشی آشکار شده که می‌تواند علاوه بر عواملی همچون تفاوت سطح ثروت و درآمد، به سایر تفاوت‌ها در جنبه‌های آموزش، بهداشت و دارو، اوقات فراغت، امنیت، تسهیلات عمومی و کیفیت نهادی کشورها وابسته باشد (آرگایل، ۲۰۰۵). در این میان شاخص‌های کیفیت نهادی که شرایط کلی حاکم بر جامعه را مشخص می‌نماید همچون کیفیت نهادهای حکمرانی دولت (کیفیت بالای دموکراسی، حقوق انسانی و نیز برخورداری از سیستم درمانی پیشرفته‌تر که افراد ملل ثروتمند از آن برخوردارند) تا حد زیادی می‌تواند بر میزان شادمانی افراد جامعه مؤثر باشد (ادینگتون و شومان^۳، ۲۰۰۴). از طرفی نحوه حکمرانی دولت در برقراری ارتباط بین برخورداری از منابع طبیعی و رفاه و رونق اقتصادی نقش کلیدی دارد که می‌تواند میزان رضایت خاطر و سطح شادمانی افراد جامعه را تحت تأثیر قرار دهد (فرجی دیزجی و همکاران، ۱۴۰۲). کیفیت حکمرانی دولت همچنین در عملکرد زیست‌محیطی که بر رفاه و شادمانی جامعه اثرگذار است نیز مؤثر می‌باشد. نقش دولت در اقتصاد محیط‌زیست به نحوه ارائه کالاهای عمومی (مانند حفاظت از محیط‌زیست) و کیفیت آن مربوط می‌شود (محمدزاده و قهرمانی، ۱۳۹۶).

1. Field & Barros

2. Thomas

3. Eddington & Shuman

دولت‌های کشورهای برخوردار از منابع نفتی اغلب با اتکاء به درآمدهای حاصل از فروش نفت و وابسته شدن به این منبع درآمدی و کاهش نیاز به مالیات، نیاز چندانی به پاسخگویی به مردم ندارند. همین امر امکان افزایش فعالیت‌های رانت‌جویی و تخریب بیشتر کیفیت نهادی را نیز فراهم می‌آورند. این امر می‌تواند به بروز پدیده نفرین منابع دامن زده و همچنین با ایجاد پارادوکس استرلین بر سطح شادمانی جوامع نیز تأثیر منفی برجای بگذارد. به علاوه این دسته از کشورها که اغلب در حال توسعه نیز به شمار می‌آیند، در راستای افزایش تولید و دستیابی به رشد اقتصادی مصرف انرژی بالایی دارند، این موضوع به انتشار گازهای گلخانه‌ای و آلودگی بیشتر محیط‌زیست منجر می‌شود. از طرفی ضعف حکمرانی در این دسته از کشورها ممکن است به منظور تامین منافع گروه‌های خاص، در اتخاذ قوانین پیشگیری از ایجاد آلودگی تأثیر منفی داشته باشد. مبنی بر اهمیت مباحث مطرح شده هدف مقاله حاضر بررسی تأثیر درآمدهای نفتی و تغییرات اقلیمی بر شادمانی در منتخبی از کشورهای نفتی با تأکید ویژه بر حکمرانی خوب می‌باشد. مرور مطالعات پیشین حاکی از وجود خلاء مطالعاتی در این زمینه می‌باشد، به‌ویژه اینکه بررسی نقش تعدیل‌کننده حکمرانی خوب در اثرگذاری وابستگی به نفت و تغییرات اقلیمی (که مساله مبتلا به اکثر کشورهاست) می‌تواند به اتخاذ تصمیمات مناسب برای حل معضلات اقتصادی و زیست‌محیطی کشورهای نفتی کمک نماید. از طرفی با توجه به احتمال وجود اثرات مثبت، منفی و یا بی‌معنی بین متغیرهای مستقل و وابسته که موید مبهم بودن اثرگذاری و امکان بررسی رابطه به صورت غیرخطی می‌باشد، در این پژوهش از روش غیرخطی رگرسیون انتقال ملایم تابلویی^۱ (PSTR) برای برآورد الگو استفاده می‌شود. بدین ترتیب پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به این سوالات است که آیا سطوح حکمرانی خوب منجر به تفاوت در اثرگذاری درآمدهای نفتی و تغییرات اقلیمی بر شادمانی مردم کشورهای نفتی منتخب شده است؟ به عبارتی این امکان وجود دارد که با ارتقای سطح حکمرانی خوب، اثرات برخوردار از درآمد نفت بر شادی بهبود یابد و اثرات منفی تغییرات اقلیمی بر شادی تعدیل شود؟ برای پاسخگویی به سوالات مطرح شده، مقاله حاضر در ۵ بخش سازماندهی شده است. پس از مقدمه و در بخش دوم، ادبیات و مبانی نظری و در بخش

سوم مروری بر مطالعات مرتبط با موضوع مقاله حاضر ارائه خواهد شد. بخش چهارم به روش تحقیق و ارائه نتایج برآوردها و آزمون‌های آماری اختصاص دارد. بخش پنجم نیز به نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات سیاستی خواهد پرداخت.

۲- مبانی نظری

۲-۱- اثر وابستگی به درآمدهای نفتی بر شادمانی

از مهمترین اهداف جوامع بشری دستیابی به خوشبختی و شادمانی است و پیگیری این امر حقی غیرقابل انکار برای بشر است که هم‌سطح با حق زندگی و آزادی می‌باشد (فری و استاتزر^۱، ۲۰۰۲). یکی از عواملی که تصور می‌شود کشورها را با اقبال مواجه می‌کند و در کنار سرمایه فیزیکی، انسانی و دانش بر تولید و رشد اقتصادی اثر مثبت برجای می‌گذارد، همچنین به عنوان یک منبع درآمدی مهم برای دولت محسوب می‌شود، وفور منابع طبیعی است (جعفری و شایگان‌مهر، ۱۴۰۰). از طرفی برخورداری از منابع طبیعی و خدادادی همچون نفت می‌تواند به طرق مختلفی بر شادی جامعه تأثیرگذار باشد. درآمدهای نفتی و رانت حاصل از آن می‌تواند از بعد مثبت و منفی شادمانی را در جامعه متأثر نماید. در رابطه با اثر مثبت احتمالی درآمدهای نفتی بر شادمانی، درآمدهای نفتی به دلیل فراهم نمودن منابع درآمدی قابل‌توجهی برای تامین بودجه دولت، از یک‌سو می‌تواند با کاهش بار مالیاتی بر دوش مردم، سبب افزایش درآمد قابل‌تصرف مردم شود و امکان افزایش مخارج تفریحی، مسافرتی، سرگرمی و خرید انواع کالاها و خدماتی که آسایش بیشتری برای مردم پدید می‌آورد را فراهم نماید. از سوی دیگر درآمدهای نفتی دولت را قادر می‌سازد تا با افزایش مخارج آموزشی، بهداشتی، تفریحی، ورزشی و زیرساختی خود به ارتقای سطح شادمانی در جامعه کمک نماید (صداقت کالمرزی و همکاران، ۱۴۰۰). درآمدهای نفتی همچنین می‌تواند منجر به تحکیم امنیت در کشورهای نفتی شود و در نتیجه به افزایش شادی در جامعه بیانجامد (زمان‌زاده و الحسینی، ۱۳۹۱)، زیرا در صورت عدم وجود امنیت در جامعه، که مساله مبتلا به برخی از کشورهای در حال توسعه نیز می‌باشد، سطح شادی در جامعه کاهش خواهد یافت

1. Frey & Stutzer

(اوونیل^۱، ۲۰۰۲). در مورد اثر منفی احتمالی برخورداری از درآمد و رانت نفتی بر شادمانی نیز می‌توان بیان نمود که در برخی از کشورها به دلیل نوع حاکمیت و توزیع گزینشی رانت نفت میان صاحبان قدرت ممکن است در توزیع رانت نفت بین گروه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نابرابری ایجاد شود و به خشونت، اعتراض و شورش سایر گروه‌هایی بیانجامد که از این رانت برخوردار نشده‌اند و از این طریق به ایجاد ناامنی دامن بزند (زمان زاده و الحسینی، ۱۳۹۱). همچنین رانت نفت با ایجاد منابع درآمدی کافی برای دولت‌ها، موجبات عدم نیاز دولت به مالیات را فراهم کرده و به تضعیف نظام مالیاتی و عدم شفافیت در اقتصاد منجر می‌شود. تضعیف نظام مالیاتی به عنوان حلقه واسطه اقتصاد دولتی و مردمی، سبب می‌شود که ارتباط سیاست‌گذاری اقتصادی با تقویت اقتصاد مردمی کمرنگ شده و با ایجاد اثرات منفی حاصل از سیاست‌گذاری‌های ضد توسعه‌ای و ضد تولیدی به کاهش رشد بلندمدت اقتصادی، افزایش نرخ بیکاری و نارضایتی عمومی منجر می‌شود که در نتیجه آن سطح شادمانی کاهش خواهد یافت. همچنین وجود منابع عظیم نفتی، دولت را به کانونی برای خلق و توزیع رانت تبدیل می‌کند و از طریق تشدید فعالیت‌های رانت‌جویی و گسترش فساد اقتصادی به اعتماد مردم به دولت آسیب رسانده و سطح شادی را کاهش می‌دهد. از طرفی افزایش مخارج دولت به دنبال افزایش درآمدهای نفتی، منجر به بزرگتر شدن اندازه دولت در اقتصاد شده و سهم بخش خصوصی نسبت به بخش دولتی را از طریق اثر برون‌رانی کاهش داده و موجب تضعیف بخش خصوصی می‌شود که در بلندمدت به اثرات منفی بر تولید و اشتغال می‌انجامد. گسترش اندازه دولت همچنین می‌تواند به تشدید ناکارآمدی اقتصادی و گسترش بروکراسی ناکارآمد دامن زده و مانعی بر سر راه اقتصاد مردمی باشد (صداقت کالمرزی و همکاران، ۱۴۰۰). بروز شوک‌های منفی نفت نیز احتمال بروز کسری بودجه را در کشورهای وابسته به نفت افزایش داده و نحوه تامین این کسری، همچون استقراض از بانک مرکزی موجب تورم شده و به مثابه مالیات پنهان - مالیات تورمی عمل می‌کند و با کاهش قدرت خرید مردم و افزایش نابرابری درآمدی، موجبات کاهش سطح شادمانی را فراهم می‌کند (نادمی^۲، ۲۰۱۸).

1. Ouweneel
2. Nademi

۲-۲- اثر تغییرات اقلیمی بر شادمانی

محیط‌زیست که بستر لازم برای تداوم حیات بشر و سایر موجودات زنده را فراهم می‌آورد، به عنوان کالایی اقتصادی شناخته می‌شود که در حوزه کالاهای عمومی قرار دارد و علی‌رغم نداشتن بازار و قیمت بازاری می‌تواند با آثار جانبی، تخریب و تخلیه مواجه شود (حسابی و همکاران، ۱۳۹۷). اقلیم نشان‌دهنده میانگین الگوهای آب و هوایی در یک منطقه خاص طی یک دوره زمانی طولانی (۳۰ سال یا بیشتر) است و تغییرات اقلیمی به مفهوم تغییرات طولانی‌مدت در اقلیم زمین است که اغلب منجر به گرم‌شدن جو و اقیانوس‌ها شده و به خشکی زمین می‌انجامد. در طول قرون گذشته و در پی صنعتی شدن فعالیت‌های انسانی، شرایط اقلیمی زمین به دلیل انتشار گازهای گلخانه‌ای مضر به‌طور قابل‌توجهی دچار تغییر شده و بر تعادل اکوسیستم‌های پشتیبان حیات و ایجادکننده تنوع زیستی تأثیر گذاشته است (برنامه توسعه ملل متحد^۱، ۲۰۲۴). تغییرات اقلیمی به اشکال مختلفی همچون تهی‌سازی منابع طبیعی از بعد زیست‌محیطی^۲ و آلودگی آب و هوا رخ می‌دهد (اوداگا و گفا^۳، ۲۰۲۲). در سال‌های اخیر، تغییرات اقلیمی و مبارزه با گرمایش جهانی به یک موضوع مهم برای کشورهای صنعتی و در حال توسعه تبدیل شده است، زیرا با تأثیرگذاری بر پارامترهای مختلف اقتصاد کلان، سلامت اقتصاد جهانی را تهدید می‌کند (اوداگا و موچاپوندا^۴، ۲۰۲۲). تغییر اقلیم به عنوان یک تهدید، ضمن افزایش آسیب‌پذیری و تضعیف دستاوردهای اقتصادی، باعث بدتر شدن دسترسی به خدمات اولیه و کیفیت زندگی شهروندان در سراسر جهان و همچنین مانع از توسعه اجتماعی و اقتصادی می‌شود (اتحادیه بین‌المللی مخابرات، ۲۰۱۹). این تغییرات علاوه بر اثرگذاری بر محیط‌زیست و اقتصاد، سلامت جسمانی و روانی و در واقع میزان شادی و خوشبختی انسان‌ها را نیز متأثر می‌نماید. یکی از نخستین واکنش‌های روانی تغییرات اقلیمی به‌طور مستقیم، استرس و اضطراب است که به‌ویژه در میان مردمان مناطقی که بیشتر تحت تأثیر بلایای طبیعی مانند سیل، طوفان، و خشکسالی قرار دارند، اتفاق می‌افتد. افسردگی ناشی از نابودی

1. United Nations Development Programme
2. environmental depletion of natural resources
3. Udeagha and Ngepah
4. Muchapondwa

محیط زیست، کاهش منابع طبیعی و افزایش مشکلات معیشتی از دیگر اثرات شایع تغییر اقلیم بر سلامت روانی است (مرکز تحقیقات تغییر اقلیم و سلامت، ۱۴۰۳). این پیامدها می‌توانند به دلایل گوناگونی همچون ویرانی محیط خانه، آوارگی، مرگ و میر عزیزان، قحطی، سوء تغذیه، بیکاری، فقر و همچنین شیوع بیماری‌های عفونی و غیر عفونی (تنفسی و قلبی عروقی) خطرناک، بر روی سلامتی روان انسان‌ها تأثیرات مخربی داشته باشند (شیخ بیکلو اسلام، ۱۳۹۸). همچنین تغییرات اقلیمی می‌تواند تغییرات رفتاری ایجاد کنند. مثلاً افزایش دما ممکن است به افزایش پرخاشگری و خشونت منجر شود و یا کاهش منابع آب و غذا می‌تواند به نزاع‌ها و درگیری‌های اجتماعی بیانجامد. از طرفی تغییرات اقلیمی می‌تواند به‌طور غیرمستقیم و از طریق تأثیرات اقتصادی و اجتماعی نیز بر سلامت روانی و میزان شادمانی افراد اثر بگذارند. کاهش منابع طبیعی مانند آب و غذا، افت تولیدات کشاورزی و افزایش هزینه‌های زندگی می‌تواند به فشارهای اقتصادی منجر شود. این فشارها می‌توانند به اضطراب، افسردگی و کاهش کیفیت زندگی افراد منتهی شوند. بلایای طبیعی و شرایط نامساعد زیست محیطی ممکن است منجر به مهاجرت اجباری جمعیت‌ها شوند. جابجایی اجباری افراد می‌تواند به تضعیف ساختارهای اجتماعی، از دست دادن شبکه‌های حمایت اجتماعی مانند خانواده، دوستان و جامعه محلی منجر شوند. کاهش حمایت اجتماعی ممکن است احساس تنهایی و ناامیدی را افزایش داده و سلامت روانی را تحت تأثیر قرار دهد و اضطراب، افسردگی و استرس و در نتیجه کاهش شادمانی را به دنبال داشته باشد (مرکز تحقیقات تغییر اقلیم و سلامت، ۱۴۰۳).

۲-۳- نقش حکمرانی خوب در ارتباط بین وابستگی به درآمدهای نفتی و تغییرات اقلیمی بر شادمانی

هرچند به نظر می‌رسد که کشورهای دارای منابع طبیعی نسبت به دیگر کشورها از فرصت‌های دستیابی به رشد و توسعه بالاتری برخوردارند، اما از دهه ۱۹۸۰ به بعد، جنبه‌هایی از پیامدهای نامطلوب غنای منابع طبیعی پدید آمده و تحت عنوان «پدیده نفرین» منابع شهرت یافته است. به موجب پدیده نفرین منابع، کشورهای غنی از منابع طبیعی رشد آهسته‌تری نسبت به سایر کشورها داشته‌اند (الماساه و حسنین، ۲۰۲۲).

برخی مطالعات انجام شده در این رابطه (زاله^۱، ۲۰۱۹ و هو و شیائو^۲، ۲۰۰۷) سرمایه انسانی را به عنوان کانالی برای تبدیل نفرین منابع به موهبت بیان نموده‌اند. برخی مطالعات (لاشیتو و ورکر^۳، ۲۰۲۰ و سینها و سنگوپتا^۴، ۲۰۱۹) نیز به اهمیت کیفیت نهادی به ویژه نهادهای حکمرانی در کشور به عنوان عامل بهبود عملکرد اقتصادی در کشورهای برخوردار از منابع طبیعی تاکید داشته‌اند. این دسته از اقتصاددانان یکی از مجراهای اصلی سوء تأثیر رانت منابع طبیعی بر اقتصادها را گسترش فساد در ساختار سیاسی و اقتصادی که وابسته به کیفیت نهادی هر کشور می‌باشد، می‌دانند (ناصری و همکاران، ۱۳۹۶). برخی اندیشمندان معتقدند که وجود ضعف ساختاری و نهادی موجود و پدیده نفرین منابع موانعی را در جهت استفاده مناسب از منابع نفتی ایجاد کرده و رانت نفت نیز این ضعف را تشدید نموده است (بیات بقائی و همکاران، ۱۴۰۰). از دیدگاه اقتصاد سیاسی رابطه بین ثروت حاصل از منابع طبیعی و میزان شادمانی در کشورها نیز می‌تواند از ویژگی‌های نهادی و نحوه حکمرانی متأثر شود (ادینگتون و شومن^۵، ۲۰۰۴). از این دیدگاه ثروت حاصل از منابع طبیعی منجر به ایجاد تضاد منافع بین سیاستمداران، قبایل محلی و شهروندان شده و می‌تواند به تحریک ذی‌نفعان برای دنبال کردن فعالیت‌های رانت‌جویانه بیانجامد و موجبات تضییع حقوق سایر اقشار جامعه را فراهم آورده و از این طریق به نارضایتی و کاهش شادمانی آن‌ها بیانجامد (اوگاندیا^۶، ۲۰۱۰). این در حالی است که حکمرانی مؤثر دولت‌ها علاوه بر اینکه نقشی اساسی در تضمین توزیع عادلانه منافع حاصل از این منابع بر عهده دارد و قادر است از این طریق به افزایش رفاه ذهنی و شادمانی مردم جامعه کمک نماید، نقشی کلیدی در مدیریت و حفظ منابع طبیعی نیز ایفاء می‌کند (مجیا آکوستا^۷، ۲۰۱۱).

حکمرانی خوب در زمینه تغییرات اقلیمی نیز قادر است با مدیریت مناسب و ایجاد تدابیر قوی به منظور کاهش تغییرات اقلیمی، به حفظ منابع و کاهش اثرات منفی آن از جمله تأثیر بر شادمانی افراد جامعه، کمک نماید (تن قطاری، ۱۴۰۱).

1. Zallé
2. Hu & Xiao
3. Lashitew & Werker
4. Sinha & Sengupta
5. Eddington & Shuman
6. Ogundiya
7. Mejia Acosta

شاخص‌های حکمرانی خوب می‌تواند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر انتشار گازهای گلخانه‌ای و ایجاد آلودگی و تغییرات اقلیمی تأثیرگذار باشند. در این راستا کیفیت تنظیم مقررات می‌تواند خروجی‌های محیط‌زیست را تحت تأثیر قرار دهد. وجود خط‌مشی شفاف برای صدور مجوز و پرداخت مالیات منجر به انجام فعالیت‌های تولیدی در چارچوب قوانین و مقررات شده و آسیب کمتری را به محیط‌زیست وارد می‌سازد (استی و پورتر^۱، ۲۰۰۵). همچنین کارآیی و اثربخشی دولت منجر به کاهش تشریفات اداری، ناکارآمدی بوروکراتیک، اداره ضعیف دولت و سوء مدیریت مالی در بخش محیط‌زیست می‌شود. در مقابل وجود فساد در ساختار اداری می‌تواند از طریق دریافت رشوه توسط کارکنان بخش دولتی به تغییر قوانین در راستای منافع گروهی خاص در رابطه با انتشار گازهای گلخانه‌ای و تخریب محیط‌زیست منتهی شود (بهرامی نیا و همکاران، ۱۴۰۲).

۳- مروری بر مطالعات پیشین

۳-۱- مطالعات داخلی

از مطالعات داخلی مرتبط با موضوع مقاله حاضر می‌توان به مطالعه آسایش و همکاران اشاره کرد که با استفاده از روش خودتوضیحی با وقفه‌های توزیعی پانلی (Panel ARDL) اثر حکمرانی خوب بر شادی را در کشورهای منتخب مناطی دوره زمانی ۲۰۲۰-۲۰۰۶ بررسی نمودند. بر اساس نتایج در کشورهای با درآمد بالا تولید ناخالص داخلی سرانه و اثربخشی دولت، کیفیت و نظارت دولت منجر به افزایش شادی شده و بین شاخص‌های مسئولیت‌پذیری و ثبات سیاسی و فساد با شادی رابطه منفی برقرار است. در کشورهای با درآمد پایین یک رابطه منفی بین رشد تولید ناخالص داخلی سرانه و مسئولیت‌پذیری و کیفیت نظارت دولت تأثیر منفی و اثربخشی دولت تأثیر مثبت و معنادار بر شادی داشته‌اند.

دامن باغ و سجادیان (۱۴۰۲) با استفاده از روش پرسشنامه‌ای تأثیر محیط‌طبیعی و زیست‌بوم را بر شادی شهروندان اهوازی در سال ۱۴۰۱ تحلیل کردند و بدین نتیجه

1. Esty & Porter

دست یافتند که آلودگی و گرد و غبار، وضعیت فاضلاب و پسماند و مخاطرات طبیعی ناشی از سیل منجر به کاهش شادی شهروندان اهوازی شده است.

فرجی دیزجی و همکاران (۱۴۰۲) با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته^۱ (GMM) به بررسی اثر تعاملی رانت منابع طبیعی و شاخص حکمرانی خوب بر شادکامی در ۶۶ کشور دارای رانت منابع طبیعی بالای ۵ درصد از تولید ناخالص داخلی، طی دوره زمانی ۲۰۱۸-۲۰۰۵ پرداختند. بر اساس نتایج حاصل از برآورد الگوها، رانت منابع طبیعی دارای اثر منفی و حکمرانی خوب دارای اثر مثبت بر شادکامی بوده است. علاوه بر آن اثر تعاملی رانت منابع طبیعی و حکمرانی خوب بر شادکامی، منفی است. علامت منفی ضریب تعاملی رانت منابع طبیعی و حکمرانی خوب بر روی شاخص شادکامی اشاره بر آن دارد که اتکاء بر رانت‌های منابع طبیعی منجر به تضعیف آثار مثبت حکمرانی خوب بر روی شادکامی می‌گردد.

صداقت کالمرزی و همکاران (۱۴۰۰) با به‌کارگیری روش معادلات همزمان پویای تابلویی اثرات متقابل رشد و شادمانی بر یکدیگر و همچنین اثرات آستانه‌ای رانت نفت بر هر دو متغیر رشد اقتصادی و شادمانی در چارچوب فرضیه نفرین منابع را در کشورهای اوپک طی دوره زمانی ۲۰۱۶-۲۰۰۵ بررسی نمودند. نتایج حاصل از برآورد مدل نشان داد که وقفه اول شادمانی تأثیر مثبت اما بی‌معنایی بر رشد اقتصادی داشته است. اما وقفه اول رشد اقتصادی تأثیری منفی و معنی‌دار بر شادمانی داشته است. به عبارت دیگر عوائد حاصل از رشد اقتصادی در جوامع نفتی مورد بررسی به‌صورت یکسانی در جامعه توزیع نشده است. همچنین در چارچوب مدل مذکور، تأثیر رانت نفت بر شادمانی و رشد اقتصادی به‌صورت آستانه‌ای بوده است. به عبارت دیگر رانت نفت تا قبل از آستانه ۲۶/۲۵ درصد از نسبت رانت نفت به تولید ناخالص داخلی، اثری مثبت بر رشد اقتصادی داشته، اما پس از عبور از حد آستانه مذکور تأثیری منفی و معنی‌دار بر رشد اقتصادی داشته است که حاکی از پدیده نفرین منابع در کشورهای صادرکننده نفت اوپک می‌باشد. نتیجه مشابهی نیز برای اثر رانت نفت بر شادمانی حاصل شده است به طوری که تا قبل از آستانه ۹۲/۲۶ درصد از نسبت رانت نفت به تولید ناخالص داخلی، رانت نفت تأثیری مثبت و معنی‌دار بر شادمانی داشته است. اما پس از عبور از این حد

آستانه، رانت نفت تأثیری منفی و معنی‌دار بر شادمانی بر جای گذاشته است که می‌تواند منعکس کننده وجود پارادوکس استرلین در کشورهای اوپک باشد.

صداقت کالمرزی و همکاران (۱۳۹۹) با استفاده از روش رگرسیون انتقال ملایم تابلویی^۱ (PSTR) به بررسی اثر رانت حاصل از درآمدهای نفت بر شادمانی در کشورهای منتخب اوپک طی دوره زمانی ۲۰۱۶-۲۰۰۵ پرداختند. نتایج نشان داد که تأثیر رانت نفت بر شادمانی در رژیم اول یعنی قبل از حدآستانه مثبت بوده است. این در حالی است که در رژیم دوم یعنی بعد از حدآستانه تأثیر رانت نفت بر شادمانی منفی شده است.

صداقت کالمرزی و همکاران (۱۳۹۸) با استفاده از روش رگرسیون انتقال ملایم تابلویی (PSTR) به بررسی نحوه اثرگذاری رانت حاصل از درآمدهای نفت بر نابرابری شادمانی و آزمون فرضیه نفرین منابع و تأثیر آستانه‌ای رانت نفت بر نابرابری شادمانی در کشورهای منتخب اوپک طی دوره زمانی ۲۰۱۲-۲۰۰۵ پرداختند. نتایج بیانگر اثر غیرخطی و آستانه‌ای رانت نفت بر نابرابری شادمانی است. به طوریکه تا قبل از رسیدن رانت نفت به حدآستانه ۱۷/۷ درصد، رانت نفت بر نابرابری شادمانی اثر منفی داشته و پس از عبور این متغیر از حدآستانه اثر آن بر نابرابری شادمانی از نظر آماری معنادار نبوده است.

منصف و همکاران (۱۳۹۸) با به کارگیری روش رگرسیون انتقال ملایم پانلی (PSTR) به تحلیل اثر هشت متغیر اقتصادی بر شادمانی در ۱۰۰ کشور طی دوره زمانی ۲۰۱۶-۲۰۰۵ پرداختند. نتایج حاکی از وجود رابطه مثبت بین درآمد سرانه، سلامت، مصرف، مخارج دولتی و آزادی اقتصادی با شادمانی و رابطه منفی بین نابرابری درآمد، تورم و بیکاری با شادمانی است. در این پژوهش سناریوهایی با در نظر گرفتن متغیرهای درآمد سرانه و نابرابری درآمدی به عنوان متغیر انتقال اجرا شد. نتایج بیانگر آن بود که با در نظر گرفتن درآمد سرانه به عنوان متغیر انتقال، مخارج مصرفی و آزادی اقتصادی بر شادمانی اثر مثبت داشته‌اند و این اثر در رژیم دوم افزایش یافته است. با در نظر گرفتن نابرابری درآمدی به عنوان متغیر انتقال اثر درآمد سرانه کاهش می‌یابد.

حسابی و همکاران (۱۳۹۷) با استفاده از روش داده‌های تابلویی^۱ به بررسی رابطه بین شادمانی و کیفیت محیط‌زیست برای ۱۵۵ کشور جهان طی دوره زمانی ۲۰۰۶-۲۰۱۶ (به صورت دو سالانه) پرداختند. نتایج نشان داد بهبود عملکرد محیط‌زیست تأثیر مثبت و معناداری بر شادمانی در کشورهای مورد مطالعه داشته است. از سوی دیگر نتایج نشان می‌دهد تأثیر متغیرهای کنترلی شامل ضریب جینی و اثر منفی محیطی (میانگینی از مجموع احساسات منفی ناشی از محیط) بر شادمانی منفی بوده است، در حالی که آزادی انتخاب تأثیر مثبت بر شادمانی داشته است.

حسابی (۱۳۹۴) با استفاده از روش داده‌های تابلویی به بررسی رابطه بین شادمانی و محیط‌زیست برای ۱۵۱ طی دوره زمانی ۲۰۱۲-۲۰۰۵ پرداخت. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که عملکرد محیط‌زیست تأثیر مثبت و معنی‌داری بر شادمانی در کشورهای مورد مطالعه داشته است.

۳-۲- مطالعات خارجی

از مطالعات خارجی مرتبط با مقاله حاضر نیز می‌توان به مطالعه کو و همکاران^۲ (۲۰۲۴) اشاره کرد که با به‌کارگیری روش داده‌های تابلویی به تحلیل اثر انتشار گازهای آلاینده زیست‌محیطی بر شادی در ۱۴۰ کشور در دوره زمانی ۲۰۲۰-۲۰۰۸ پرداختند. نتایج بیانگر آن بود که چون انتشار گازهای آلاینده به دلیل تولیدات بیشتر و در فرایند دستیابی به رشد اقتصادی اتفاق افتاده است توانسته اثر مثبت اما محدودی بر شادی برجای بگذارد.

اسلسمن^۳ (۲۰۲۳) با استفاده از روش داده‌های تابلویی به بررسی اثر نفرین منابع طبیعی بر شادی در ۳۱ کشور صادرکننده نفت طی دوره زمانی ۲۰۱۹-۲۰۰۶ پرداخت. نتایج بیانگر آن بود که اثر نامطلوب رانت نفت (و رانت منابع مجموع و تفکیک شده) بر شادی یا رفاه ذهنی تأیید نشده است. در این پژوهش بررسی کانال‌های نفرین یا برکت منابع از طریق درآمد، بیکاری، تورم، سطوح توسعه انسانی و حکمرانی انجام شد. نتایج نشان داد که رانت نفت منجر به افزایش اثرات حاشیه‌ای مثبت درآمدی بر شادکامی

1. Panel Data
2. Ko et al.
3. Slesman

شده است. از طرفی نتایج بیانگر آن بود که نفت از طریق دیگر کانال‌ها نیز بر شادی اثر منفی نداشته است. این موضوع موید آن است که کانال‌های مؤثر بر شادی از جانب نفرین منابع اثرگذار نبوده و به افزایش رفاه منجر شده‌اند.

اسلسمن (۲۰۲۲) با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته پویا (GMM) به تحلیل اثر نفرین منابع به صورت کلی و تفکیک شده (از جمله رانت نفت) در ۱۱۲ کشور طی دوره زمانی ۲۰۱۹-۲۰۰۶ پرداخت. نتایج بیانگر آن بود که نفرین منابع طبیعی به طور کلی و تفکیک شده بر شادمانی تأیید نمی‌شود و در نتیجه در کشورهای مورد بررسی منابع طبیعی نه مصیبت و نه موهبت بوده است.

الماسه و حسنین^۱ (۲۰۲۲) با استفاده از روش خودتوضیحی با وقفه‌های توزیعی^۲ (ARDL) و روش تصحیح خطای برداری^۳ (VECM) به تحلیل اثر نفرین منابع بر رفاه ذهنی با توجه به کیفیت محیطی، حاکمیت و سرمایه انسانی در امارات متحده عربی طی دوره زمانی ۲۰۱۹-۱۹۹۰ پرداختند. نتایج حاکی از آن بود که استفاده از رانت منابع طبیعی بر رفاه ذهنی اثر منفی داشته است و بدین ترتیب فرضیه نفرین منابع تأیید می‌شود. از طرفی چنانچه کیفیت محیط‌زیست در راستای استفاده از رانت منابع کاهش پیدا نکند، استفاده از منابع می‌تواند رفاه ذهنی افراد را بهبود دهد. در مقابل سرمایه انسانی و حاکمیت هر دو تأثیر ناچیزی بر تأثیر منابع بر رفاه ذهنی دارند. بر این اساس استفاده از منابع طبیعی تا زمانیکه به محیط‌زیست آسیب نرساند رفاه ذهنی انسان‌ها را بهبود خواهد داد.

لو و سهیل^۴ (۲۰۲۲) با استفاده از روش خودرگرسیون برداری با وقفه‌های توزیعی (ARDL) به بررسی اثرات سرمایه طبیعی و بلایای طبیعی بر سلامت و رفاه در چین طی دوره زمانی ۲۰۲۰-۱۹۹۳ پرداختند. نتایج حاکی از آن بود که رانت منابع طبیعی در بلندمدت تأثیر مثبت و معناداری بر شادی، سلامتی و رفاه افراد داشته است. نتایج همچنین نشان داد که بلایای طبیعی به طور قابل توجهی شادی و رفاه را در بلندمدت کاهش می‌دهد.

1. Elmassah & Hassanein

2. Autoregressive Distributed Lags

3. Vector Error Conditional Model

4. Lu & Sohail

میگنامیسی و کوته^۱ (۲۰۲۱) با استفاده از روش داده‌های تابلویی و رگرسیون کوانتایل^۲ به تحلیل اثر رانت منابع طبیعی بر شادمانی در ۱۴۹ کشور برخوردار از منابع طبیعی طی دوره زمانی ۲۰۱۸-۲۰۱۳ پرداختند. نتایج بیانگر آن بود که در تمامی کشورهای مورد بررسی رانت منابع منجر به کاهش شادمانی شده، اما این اثر براساس شرایط سیاسی و سطح توسعه‌یافتگی کشورها متفاوت بوده است. تفکیک رانت منابع طبیعی به رانت نفت، رانت گاز، رانت جنگل، رانت زغال‌سنگ و رانت مواد معدنی نیز حاکی از آن بود که رانت تمامی منابع ذکر شده بر شادمانی اثر منفی دارد، اما اثر منفی رانت نفت و گاز بر شادمانی قوی‌تر از سایر منابع است. از طرفی نتایج رگرسیون کوانتایل نشان داد که اثرات منفی رانت منابع طبیعی بر شادمانی در فواصل مختلف در سراسر توزیع شادمانی متفاوت هستند.

علی و همکاران^۳ (۲۰۲۰) با به کارگیری روش داده‌های تابلویی به بررسی تأثیر برخورداری از منابع طبیعی بر شادمانی در منتخبی از کشورهای دارای منابع نفتی فراوان طی دوره زمانی ۲۰۱۲-۲۰۰۰ پرداختند. نتایج بیانگر آن بود که فرضیه نفرین منابع تأیید شده و رانت نفت بر شادمانی اثر منفی داشته است.

اوپالیه و نواچاکی^۴ (۲۰۱۹) با به کارگیری روش داده‌های تابلویی به بررسی اثر رانت نفت، رانت منابع معدنی، قیمت نفت و رشد اقتصادی بر شادی در کشورهای منتخب آفریقایی طی دوره زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۰ پرداختند و با تحلیل کارایی جزیی کشورهای مورد مطالعه را رتبه‌بندی کردند. در این پژوهش از معکوس شاخص فلاکت مالی به عنوان شاخص شادی استفاده شد. نتایج مطالعه نشان داد که رانت نفت بر شادی کشورهای مورد مطالعه تأثیر معناداری نداشته است، در حالی که قیمت نفت بر شادی تأثیر مثبت داشته است. از طرفی تولید ناخالص داخلی بر شادی تأثیر منفی داشته است.

مرور مطالعات پیشین لزوم بررسی اثر وابستگی اقتصادی به درآمدهای حاصل از نفت و همچنین تغییرات اقلیمی که مساله مبتلا به اکثر کشورهاست، را بر شادمانی

1. Mignamissi & Kuete

2. Quantile

3. Ali et al

4. Opaleye & Nwachukwu

مردم در کشورهای نفتی مشخص می‌سازد. به‌ویژه بررسی نقش حکمرانی خوب به عنوان عامل تعدیل‌کننده ارتباط بین وابستگی به درآمد نفت و تغییرات اقلیمی از نقاط قوت مطالعه حاضر است.

۴- روش تحقیق

۴-۱- تصریح الگو و معرفی متغیرها

در پژوهش حاضر به پیروی از مطالعه الماساه و حسنین (۲۰۲۲) به تحلیل اثر وابستگی اقتصادی به درآمدهای نفت، تغییرات اقلیمی و حکمرانی خوب بر شادمانی طی دوره زمانی ۲۰۲۳-۲۰۰۶ در ۱۴ کشور دارای منابع نفت شامل الجزایر، آذربایجان، برزیل، بحرین، ایران، عراق، قزاقستان، قطر، کویت، مکزیک، نیجریه، روسیه، عربستان سعودی و امارات متحده عربی پرداخته خواهد شد. برای دستیابی به هدف پژوهش، مدلی به صورت زیر در نظر گرفته می‌شود:

$$HappyIndex_{it} = f(OilDep_{it}, CliCh_{it}, GG_{it}, UR_{it}, GR_{it}) \quad (1)$$

در رابطه (۱) $HappyIndex_{it}$ بیانگر شادمانی است. شاخص شادمانی از داده‌های گزارش شادمانی جهانی^۱ استخراج شده است. این گزارش به ارائه داده‌ها و شواهد تجربی در مورد خوشحالی و رضایت از زندگی می‌پردازد و بر اساس نظرسنجی‌هایی ساخته شده است که در آن پاسخ‌دهندگان کیفیت زندگی خود را در مقیاسی از صفر (ناراضی) تا ۱۰ (راضی) ارزیابی می‌کنند.

$OilDep_{it}$ بیانگر رانت نفت است که از مابه‌التفاوت درآمدهای فروش نفت و هزینه‌های استخراج آن نسبت به تولید ناخالص داخلی بدست می‌آید و نشان دهنده وابستگی اقتصادی به درآمدهای نفتی است. مقیاس این متغیر درصد است و داده‌های آن از سایت بانک جهانی^۲ استخراج می‌شود.

$CliCh_{it}$ بیانگر تغییرات اقلیمی است که به مفهوم وقوع تغییرات در میانگین، حداقل، حداکثر، پراکندگی و سایر آماره‌های عناصر اقلیمی است. برای سنجش تغییر

1. <http://worldhappiness.report/faq/>

2. <https://databank.worldbank.org/source/world-development-indicators>

اقلیم، از میانگین سالانه تغییرات دمایی بر حسب درجه سلسیوس استفاده می‌شود و داده‌های آن از سایت صندوق بین‌المللی پول^۱ استخراج می‌شود.

GG_{it} بیانگر حکمرانی خوب است که از میانگین شش شاخص حکمرانی خوب ارائه شده توسط بانک جهانی شامل اثربخشی دولت، ثبات سیاسی، کیفیت قانون، نظارت بر مقررات، پاسخگویی دولت و کنترل فساد حاصل می‌شود. این شاخص برآوردی، از $-۲/۵$ تا $۲/۵$ رتبه‌بندی شده و داده‌های آن از سایت بانک جهانی استخراج می‌شود.

UR_{it} نرخ بیکاری است که از درصد تفاوت میزان بیکاری دوره جاری نسبت به دوره قبلی حاصل شده و مقیاس آن درصد است. داده‌های این متغیر از سایت بانک جهانی استخراج می‌شود.

با توجه به محدودیت‌های موجود در مدل‌های خطی، بسیاری از مطالعات استفاده از انواع مختلف مدل‌های غیرخطی را برای تصریح رفتار غیرخطی موجود در سری‌های زمانی پیشنهاد کرده‌اند. در این مطالعه به منظور مدل‌سازی رفتار غیرخطی و تحلیل اثر آستانه‌ای وابستگی به درآمدهای نفت، تغییرات اقلیمی و حکمرانی خوب بر شادمانی از مدل رگرسیون انتقال ملایم که روشی برای تعیین حد آستانه است، استفاده می‌شود. بدین منظور از مطالعات گونزالز و همکاران^۲ (۲۰۱۷) و کولیتاز و هارولین^۳ (۲۰۰۶) پیروی شده که بر اساس الگویی دارای دو حد آستانه و یک تابع انتقال و به صورت زیر تصریح می‌شود:

$$HappyIndex_{it} = \pi_i + \alpha_i X_{it} + \lambda_0 F(X_{it}, GG_{it}; \gamma, c) + \mu_{it} \quad (2)$$

$$t = 1, \dots, T \quad i = 1, \dots, N$$

X_{it} بردار متغیرهای مستقل (رانت نفت، حکمرانی خوب، تغییرات اقلیمی، نرخ بیکاری) است. تابع $F(X_{it}, GG_{it}; \gamma, c)$ بیانگر تابع انتقالی است که پیوسته و کراندار بوده و بین صفر و یک قرار می‌گیرد. در این الگو متغیر انتقال از بین متغیرهای توضیحی یا وقفه متغیر وابسته و یا متغیر دیگری که خارج از الگو بوده ولی از لحاظ مبانی نظری با

1. <https://www.imf.org/en/Data>

2. González & et al

3. Colletaz and Hurlin

الگو مورد مطالعه مرتبط و عامل ایجاد رابطه غیرخطی می باشد، قابل انتخاب است (شهبازی و سعیدپور، ۱۳۹۲). در این مقاله متغیر کیفیت نهادی حکمرانی خوب (GG_{it}) به عنوان متغیر انتقال در نظر گرفته می شود. تابع انتقال به پیروی از گونزالز و همکاران (۲۰۰۵)، به صورت لاجستیکی به صورت زیر تصریح می گردد:

$$F(X_{it}, GI_{it}; \gamma, c) = [1 + \exp(-\gamma\pi(X_{it} - c_i))]^{-1}, \gamma > 0, c_1 \leq c_2 \leq \dots \leq c_m \quad (۳)$$

در معادله (۳) برداری m بعدی از مقدار حدهای آستانه ای است. γ نیز پارامتر شیب است که سرعت انتقال از یک رژیم به رژیم دیگر را نشان می دهد. در الگوی PSTR ضرایب تخمینی با توجه به مشاهدات متغیر انتقال و پارامتر شیب به صورت پیوسته میان دو حالت حدی $F=0$ و $F=1$ تغییر می یابد که این دو حالت حدی به صورت زیر تصریح می گردند:

$$Y = \begin{cases} \mu_i + \beta_0 X_{it} + u_{iu} & F = 0 \\ \mu_i + (\beta_0 + \beta_1) X_{it} + u_{it} & F = 1 \end{cases} \quad (۴)$$

از آنجایی که پارامترهای انتقال، با پارامتر شیب در تابع انتقال متناسب هستند، می توان آزمون خطی بودن را انجام داد. مبنای کار در این آزمون، آماره های ضریب لاگرانژ والد (LM_W)، ضریب لاگرانژ فیشر (LM_F) و نسبت درست نمایی (LR) است که توسط کولیتاز و هارولین (۲۰۰۶) ارائه شده اند. گام بعدی پس از تأیید وجود رابطه غیرخطی میان متغیرها، اطمینان از نبود رابطه غیرخطی در باقیمانده ها است. پس از اطمینان از غیرخطی بودن رابطه بین متغیرها، عدم وجود رابطه غیرخطی بین باقیمانده ها و انتخاب یک تابع انتقال، لازم است به تعیین انتخاب تعداد حدهای آستانه ای برای مدل نهایی پرداخته شود. گونزالز و همکاران (۲۰۱۷)، برای تبیین تغییرپذیری پارامترها، لحاظ کردن یک یا دو مقدار آستانه ای ($m=1$ یا $m=2$) را کافی دانسته و بیان می کنند که برای $m=1$ ، مدل PSTR با توجه به مقادیر کمتر و بیشتر متغیر انتقال (q_{it}) در مقایسه با مقدار حد آستانه ای (C_1) و با یک تابع انتقال یکنواخت، دو رژیم حدی وجود خواهد داشت. چنانچه پارامتر شیب به سمت بی نهایت میل کند، مدل PSTR به مدل دو رژیمی آستانه ای تابلویی PTR تبدیل می شود. در واقع، تابع انتقال زمانی که $q_{it} > C_1$ باشد، مقدار یک و در غیر این صورت مقدار صفر را اختیار

می‌کند. در حالت $m=2$ ، نقطه حداقل تابع انتقال در $\frac{(C_1+C_2)}{2}$ رخ می‌دهد و مقدار یک را برای مقادیر کمتر و بیشتر متغیر انتقال (IQ_{it}) لحاظ می‌کند و در صورتیکه پارامتر شیب به سمت بی‌نهایت میل کند، مدل PSTR تبدیل به یک مدل آستانه‌ای سه رژیمی می‌شود. اگر پارامتر شیب به سمت صفر میل کند، با هر تعداد حد آستانه‌ای، مدل PSTR، یک مدل رگرسیونی خطی یا همگن با اثرات ثابت خواهد بود (گونزالز و همکاران، ۲۰۱۷).

۴-۲- نتیجه آزمون‌های آماری و برآورد الگو

آمار توصیفی مربوط به متغیرهای مورد استفاده در الگوی پژوهش که شامل میانگین، حداکثر، حداقل، انحراف معیار و چولگی و کشیدگی است، در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱. آمار توصیفی

متغیر	نماد	میانگین	حداقل	حداکثر	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	مقیاس
شادمانی	$HappyIndex_{it}$	۵/۴۸	۴/۲۲	۷/۴۴	۰/۳۸	۰/۵۲	۳/۵۷	۰ تا ۱۰
رانت نفت	$OilDep_{it}$	۱۸/۰۵	۹/۰۴	۶۳/۵۵	۱۷/۶۳	۰/۳۱	۱/۷۷	درصد
تغییرات اقلیمی	$CliCh_{it}$	۱/۵۴	۰/۲۳	۳/۶۷	۰/۴۴	۰/۶۴	۲/۱۶	درجه سلسیوس
حکمرانی خوب	GG_{it}	-۰/۸۴	-۱/۷۳	۰/۷۲	۰/۰۶	۰/۵۵	۲/۲۸	-۲/۵ تا ۲/۵
نرخ بیکاری	UR_{it}	۱۱/۵۵	۹/۸۲	۱۶/۱۷	۱۱/۴۳	۰/۳۷	۲/۰۵	درصد
نرخ رشد اقتصادی	GR_{it}	۱/۰۰	-۱۳/۹۷	۳۳/۰۳	۲/۱۲	-۲/۲۰	۸/۳۹	درصد

منبع: محاسبات محقق

بر اساس جدول (۱) شادمانی به طور میانگین در کشورهای منتخب طی دوره مورد مطالعه برابر با ۵/۴۸ بوده که رتبه پایینی به شمار می‌آید. کمترین رتبه شادی مربوط به آذربایجان در سال ۲۰۱۰ و بیشترین رتبه شادی مربوط به مکزیک در سال ۲۰۱۳ بوده است. رانت نفت به طور میانگین برابر با ۱۸/۰۵ درصد بوده است. کمترین رانت نفت مربوط به برزیل در سال ۲۰۱۶ و بیشترین آن مربوط به عراق در سال ۲۰۰۶

بوده است. تغییرات اقلیمی نیز به طور میانگین با افزایش دمای $1/54$ درجه سلسیوس همراه بوده است. کمترین میزان تغییرات اقلیمی مربوط به برزیل در سال ۲۰۱۹ و بیشترین آن مربوط به روسیه در سال ۲۰۲۰ بوده است. حکمرانی خوب نیز به طور میانگین دارای رتبه‌ای برابر با $0/84$ - است که نشان دهنده ضعف نهادی کشورهای مورد بررسی است. کمترین رتبه حکمرانی خوب مربوط به روسیه در سال ۲۰۲۱ و بیشترین آن مربوط به قطر در سال ۲۰۰۹ بوده است.

برای بررسی مانایی داده‌های پانل می‌توان از آزمون‌های ریشه واحد دیکی فولر تعمیم‌یافته^۱، لوین، لین و چاو^۲، فیشر^۳، ایم، شین و پسران^۴، هادری^۵ و پسران استفاده کرد. البته انتخاب آزمون مناسب از بین این آزمون‌ها در گام اول نیازمند بررسی وجود وابستگی مقطعی است. به طوری که در صورت وجود وابستگی مقطعی لازم است از آزمون پسران (۲۰۰۴) استفاده شود و در غیر اینصورت می‌توان از سایر آزمون‌ها استفاده نمود. نتایج آزمون وابستگی مقطعی پسران (۲۰۰۴) برای متغیرهای مدل (۱) در جدول (۲) ارائه شده است. فرضیه صفر در این آزمون عدم وجود وابستگی مقطعی در متغیرهای مورد آزمون است و فرضیه مخالف از وجود وابستگی مقطعی حکایت دارد.

جدول ۲. نتیجه آزمون استقلال مقطعی پسران (۲۰۰۴)

متغیر	نماد	آماره CD	احتمال آماره	نتیجه
شادمانی	$HappyIndex_{it}$	۲۰/۶۵	۰/۰۰۰	وجود وابستگی مقطعی
رانت نفت	$OilDep_{it}$	۳۱/۲۸	۰/۰۰۰	وجود وابستگی مقطعی
تغییرات اقلیمی	$CliCh_{it}$	۲۱/۳۴	۰/۰۰۰	وجود وابستگی مقطعی
حکمرانی خوب	GG_{it}	۱۶/۶۱	۰/۰۰۰	وجود وابستگی مقطعی
نرخ بیکاری	UR_{it}	۶/۰۴	۰/۰۰۰	وجود وابستگی مقطعی
نرخ تورم	INF_{it}	۲۵/۲۵	۰/۰۰۰	وجود وابستگی مقطعی
نرخ رشد اقتصادی	GR_{it}	۱۴/۳۴	۰/۰۰۰	وجود وابستگی مقطعی

منبع: محاسبات محقق

1. Augmented Dicky Fuller
2. Levin, Lin, Chu
3. Fisher
4. Im, Pesaran And Shin
5. Hadri

نتایج به دست آمده در جدول (۲) نشان می‌دهد که احتمال آماره آزمون CD برای تمامی متغیرها از ۰/۰۵ کوچکتر است، بدین ترتیب فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود وابستگی مقطعی در مدل پژوهش رد می‌شود. بنابراین مقاطع به یکدیگر وابسته هستند. با توجه به وجود وابستگی مقطعی در متغیرها، برای آزمون مانایی از آزمون پسران (۲۰۰۶)، استفاده می‌شود که وابستگی مقطعی را لحاظ می‌کند. جدول (۳) نتایج آزمون ریشه واحد داده‌های پانلی را در سطح نمایش می‌دهد.

جدول ۳. نتایج آزمون مانایی پسران (۲۰۰۶)

متغیر	نماد	آماره	احتمال آماره	نتیجه
شادمانی	$HappyIndex_{it}$	-۲/۷۰	$< 0/01$	مانا
رانت نفت	$OilDep_{it}$	-۱/۱۶	$> 0/1$	نامانا
تغییرات اقلیمی	$CliCh_{it}$	-۲/۱۸	$< 0/1$	مانا
حکمرانی خوب	GG_{it}	-۱/۴۹	$> 0/1$	نامانا
نرخ بیکاری	UR_{it}	-۳/۰۱	$< 0/05$	مانا
نرخ رشد اقتصادی	GR_{it}	-۳/۲۰	$< 0/01$	مانا

منبع: محاسبات محقق

مطابق با نتایج جدول (۳) آزمون مانایی بیانگر مانا بودن متغیرهای شادمانی، تغییرات اقلیمی، نرخ بیکاری و نرخ رشد اقتصادی و نامانا بودن سایر متغیرهاست. در چنین شرایطی دو راه حل برای برآورد مدل وجود دارد. راه حل اول استفاده از تفاضل مرتبه اول متغیرهای نامانا در مدل است که باعث از بین رفتن اطلاعات مرتبط با سطح متغیرها می‌شود. به دلیل اینکه هدف این پژوهش بررسی رابطه غیرخطی میان متغیرها می‌باشد، لازم است از متغیرها در سطح استفاده شود. بدین ترتیب به پیروی از کادیلی و مارکوف (۲۰۱۱) از راه حل دوم مبنی بر انجام آزمون مانایی برای پسماندهای بخش خطی و غیرخطی مدل PSTR استفاده می‌شود. بر این اساس پسماندهای بخش خطی و غیرخطی حاصل از مدل PSTR استخراج شده و مانایی آن‌ها بررسی می‌شود. چنانچه پسماندهای بخش خطی و غیرخطی مدل مانا در سطح باشند می‌توان بدون نگرانی از بروز رگرسیون کاذب به برآورد مدل اقدام نمود. جدول (۴) نتایج آزمون مانایی برای پسماندهای بخش خطی و غیرخطی مدل را نشان می‌دهد.

جدول ۴. نتایج آزمون مانایی پسماندهای بخش خطی و غیرخطی مدل به روش پسران (۲۰۰۶)

نام متغیر	آماره t	احتمال آماره	نتیجه آزمون
پسماند بخش خطی	-۴/۰۴	<۰/۰۱	مانا
پسماند بخش غیرخطی	-۴/۰۱	<۰/۰۱	مانا

منبع: محاسبات محقق

نتایج جدول (۴) بیانگر آن است که احتمال آماره آزمون مانایی برای پسماندهای بخش خطی و غیرخطی مدل برآوردی به روش PSTR از ۰/۰۱ کوچکتر است. بدین ترتیب فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد (نامانا بودن) پسماندهای بخش خطی و غیرخطی مدل در سطح اطمینان ۹۹ درصد رد می‌شود و نگرانی از بروز رگرسیون کاذب وجود ندارد.

همانطور که پیش‌تر بیان شد شرط استفاده از روش PSTR اطمینان از غیرخطی بودن مدل است. بدین ترتیب آزمون تشخیص خطی یا غیرخطی بودن مدل با فرضیه صفر خطی بودن مدل و فرضیه مخالف غیرخطی بودن مدل انجام می‌شود. در صورتی که احتمال آماره از ۰/۰۵ کوچکتر باشد، فرضیه خطی بودن رد می‌شود و غیرخطی بودن مدل نتیجه گرفته می‌شود. نتایج مربوط به آزمون تشخیصی خطی بودن مدل در جدول (۵) ارائه شده است.

جدول ۵. نتیجه آزمون خطی بودن مدل

آماره LR	احتمال آماره
۱/۳۹	۰/۰۰۶

منبع: محاسبات محقق

مطابق با نتایج جدول (۵)، آماره LR برای تشخیص خطی بودن مدل در سطح معنی‌داری ۹۵ درصد از وجود رابطه غیرخطی میان متغیرهای مدل حکایت دارد. اکنون که از غیرخطی بودن مدل اطمینان حاصل شد، اقدام به تعیین وقفه‌های بهینه برای متغیر وابسته و متغیرهای مستقل می‌شود. به منظور صرفه جویی در تعداد

وقفه‌ها و جلوگیری از کاهش درجه آزادی از معیار شوارتز برای تعیین تعداد وقفه‌های بهینه استفاده می‌شود. بر این اساس وقفه بهینه برای متغیر وابسته شادمانی برابر با یک حاصل شد. همچنین متغیرهای مستقل وابستگی به درآمدهای نفتی، تغییرات اقلیمی، حکمرانی خوب و نرخ رشد اقتصادی دارای یک وقفه بهینه هستند. وقفه بهینه نرخ بیکاری نیز برابر با صفر می‌باشد. در مرحله بعد لازم است تعداد مکان‌های آستانه‌ای تعیین شود. بر اساس پیشنهاد کولیتاز و هارولین (۲۰۰۶) مدل در دو حالت وجود یک حد آستانه و وجود دو حد آستانه تخمین زده می‌شود. سپس در هر یک از این حالات مقادیر مجموع مجذور باقیمانده‌ها با استفاده از معیارهای آکائیک و شوارتز بیزین با یکدیگر مقایسه می‌شود و مدلی که دارای مقدار آماره کوچکتری است پذیرفته می‌شود. در صورتیکه نتایج معیارهای آکائیک و شوارتز با هم یکسان نباشد، بهتر است معیار شوارتز بیزین ملاک انتخاب قرار بگیرد.

جدول ۶. نتیجه آزمون تعیین تعداد حدهای آستانه‌ای

تعداد حد آستانه	معیار آکائیک	معیار شوارتز بیزین
۱	-۴۲۶/۲۳	-۳۳۴/۱۲
۲	-۴۱۰/۳۷	-۳۱۳/۱۵

منبع: محاسبات محقق

نتایج جدول (۶) نشان می‌دهد که مدل با وجود یک حد آستانه از معیار آکائیک و شوارتز- بیزین کوچکتری نسبت به مدل دارای دو حد آستانه برخوردار است. بنابراین مدل با وجود یک حد آستانه کارایی بیشتری دارد. نتایج حاصل از برآورد مدل با یک حد آستانه و دو رژیم حدی در جدول (۷) ارائه شده است.

جدول ۷. نتایج برآورد مدل پژوهش به روش PSTR

متغیر وابسته: شاخص شادمانی $HappyIndex_{it}$ متغیر انتقال: حکمرانی خوب GG_{it}						
نام متغیر	نماد	بخش خطی (رژیم اول)			بخش غیر خطی (رژیم دوم)	
		ضریب	آماره t	احتمال آماره	ضریب	آماره t
وقفه اول شاخص شادمانی	$Happy_{i(t-1)}$	-۰/۰۷	-۰/۴۱	۰/۶۸۱	۰/۴۶	۶/۸۷
وابستگی به درآمد نفت	$OilDep_{it}$	۰/۲۳	۱/۰۰	۰/۳۱۸	۰/۰۸	۰/۶۳
وقفه اول وابستگی به درآمد نفت	$OilDep_{i(t-1)}$	-۰/۰۹	۱/۸۳	۰/۰۶۵	-۰/۱۶	-۱/۱۰
تغییرات اقلیمی	$CliCh_{it}$	۲/۲۶	۰/۸۱	۰/۴۲۱	۰/۰۲	۰/۰۴
وقفه اول تغییرات اقلیمی	$CliCh_{i(t-1)}$	-۲/۰۹	-۱/۷۵	۰/۰۷۹	-۰/۰۵	-۰/۱۱
حکمرانی خوب	GG_{it}	-۰/۷۵	-۱/۸۶	۰/۰۶۵	۰/۴۴	۱/۷۴
وقفه اول حکمرانی خوب	$GG_{i(t-1)}$	۰/۹۵	۱/۷۱	۰/۰۸۸	-۰/۳۲	-۱/۲۱
نرخ رشد اقتصادی	GR_{it}	-۰/۲۴	-۱/۴۷	۰/۱۴۲	-۰/۰۴	-۰/۴۰
وقفه اول نرخ رشد اقتصادی	$GR_{i(t-1)}$	-۰/۰۶	-۰/۴۰	۰/۶۸۶	۰/۰۶	۲/۱۴
نرخ بیکاری	UR_{it}	-۰/۲۲	-۱/۹۲	۰/۰۵۶	-۰/۳۲	-۱/۷۰
حدآستانه متغیر انتقال وقفه اول حکمرانی خوب $GG_{i(t-1)} = ۰/۳۴$ شیب تابع انتقال = ۲۶/۲۲						

منبع: محاسبات محقق

مطابق با نتایج جدول (۷) مقدار حدآستانه متغیر انتقال حکمرانی خوب دوره قبلی برابر با ۰/۳۴ حاصل شده است. این حد بیانگر نقطه انتقال تابع شادمانی است و شروع رژیم حدی دوم را نشان می‌دهد. به عبارتی وقتی حکمرانی خوب با یک دوره وقفه به رتبه ۰/۳۴ می‌رسد، تابع شادمانی در کشورهای منتخب نفتی از رژیم اول وارد رژیم دوم

می‌شود. شیب تابع انتقال که سرعت انتقال از رژیم اول به رژیم دوم را نشان می‌دهد برابر با ۲۶/۲۲ می‌باشد.

در روش انتقال ملایم، در هر رژیم برآیند ضرایب متغیرهای مستقل و وقفه‌های آن که از نظر آماری معنادار شده‌اند استفاده می‌شود. بر این اساس ضریب برآوردی وقفه اول شاخص شادمانی در رژیم اول (قبل از رسیدن حکمرانی خوب به حدآستانه) از نظر آماری معنادار نیست و در رژیم دوم (بعد از عبور حکمرانی خوب از حدآستانه) معنادار و برابر با ۰/۴۶ می‌باشد. ملاحظه می‌شود که شادمانی دوره قبل در رژیم اول اثری بر شادمانی نداشته، اما با رسیدن شاخص حکمرانی خوب به حدآستانه ۰/۳۴، اثر مثبتی بر شادمانی دوره جاری گذاشته است.

در رژیم اول حکمرانی خوب اثر منفی و معنادار برابر با ۰/۷۵- و وقفه اول آن اثر مثبت و معنادار برابر با ۰/۹۵ داشته است. برآیند این دو ضریب در رژیم اول برابر با ۰/۲۰ است. این در حالی است که در رژیم دوم یعنی پس از گذر حکمرانی خوب از حدآستانه خود، مقدار جاری شاخص حکمرانی اثر مثبت و معنادار به اندازه ۰/۴۴ و وقفه اول آن اثر معناداری بر شادمانی نداشته است. بدین ترتیب برآیند ضرایب حکمرانی خوب در رژیم دوم برابر با ۰/۴۴ است. ملاحظه می‌شود که حکمرانی خوب در هر دو رژیم بر شادمانی اثر مثبت داشته است، اما در رژیم دوم این اثر تقویت شده است. در رژیم اول وابستگی به درآمد نفت اثر معناداری بر شادمانی نداشته، اما وقفه اول آن اثر منفی به اندازه ۰/۰۹- بر شادمانی داشته است. این در حالی است که در رژیم دوم وابستگی به درآمد نفت و وقفه اول آن اثر معناداری بر شادمانی نداشته‌اند. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که برآیند ضرایب وابستگی به درآمد نفت در رژیم اول منفی و در رژیم دوم بی‌تأثیر است. بدین معنا که قبل از رسیدن حکمرانی خوب به حدآستانه وابستگی به درآمد نفت منجر به کاهش شادمانی شده و پس از عبور حکمرانی خوب از حدآستانه، تأثیر منفی وابستگی به نفت بر شادمانی از بین رفته است.

تغییرات اقلیمی در رژیم اول اثر معناداری بر شادمانی نداشته است، اما وقفه اول آن در رژیم اول اثر منفی برابر با ۲/۰۹- بر شادمانی داشته است. این در حالی است که در رژیم دوم تغییرات اقلیمی و وقفه اول آن اثر معناداری بر شادمانی نداشته‌اند. بر این اساس هرچند قبل از رسیدن حکمرانی خوب به حدآستانه تغییرات اقلیمی منجر به

کاهش شادمانی شده، اما پس از عبور حکمرانی خوب از حدآستانه، تغییرات اقلیمی بر شادمانی بی تأثیر شده است.

نرخ بیکاری در هر دو رژیم، اثر منفی و معنادار به ترتیب برابر با $-0/22$ و $-0/32$ داشته است. ملاحظه می شود که هرچند تأثیر بیکاری در هر دو رژیم منفی است، اما در رژیم دوم افزایش یافته است.

نرخ رشد اقتصادی و وقفه اول آن در رژیم اول اثر معناداری بر شادمانی نداشته اند، با این وجود پس از گذر حکمرانی خوب از حدآستانه و قرار گرفتن در رژیم دوم، هرچند نرخ رشد دوره جاری اثر معناداری بر شادمانی ندارد، اما وقفه اول نرخ رشد اقتصادی دارای اثر مثبت و معنادار برابر با $0/06$ می باشد. بر این اساس رشد اقتصادی پس از عبور حکمرانی خوب از حدآستانه اثر مثبت خود بر شادمانی را آغاز نموده است.

پس از برآورد مدل به روش PSTR لازم است از عدم وجود رابطه غیرخطی اضافه در اجزای باقیمانده یا به عبارتی اجزای اخلاص اطمینان حاصل کرد. فرضیه صفر این آزمون مبنی بر عدم وجود رابطه غیرخطی اضافی در اجزای خطاست و فرضیه مخالف بر وجود رابطه غیرخطی اضافی در اجزای خطا دلالت دارد. نتیجه آزمون مذکور در جدول (۸) گزارش شده است.

جدول ۸. نتیجه آزمون باقی نماندن رابطه غیرخطی اضافی در جزء خطا

احتمال آماره	آماره F
$0/330$	$34/15$

منبع: محاسبات محقق

مطابق با نتایج جدول (۸)، فرضیه صفر آزمون مبنی بر عدم وجود رابطه غیرخطی اضافه در اجزای خطا رد نمی شود. بدین ترتیب می توان از صحت مدل برآورد شده مطمئن بود.

۵- نتیجه گیری و پیشنهادهای سیاستی

هدف مقاله حاضر تحلیل اثرات آستانه ای وابستگی اقتصادی به درآمدهای نفتی و تغییرات اقلیمی بر شادمانی با تأکید بر حکمرانی خوب است. بدین منظور ۸ کشور نفتی در نظر گرفته شدند و مطالعه در دوره زمانی ۲۰۰۶-۲۰۲۳ انجام شد. برای برآورد

الگوی پژوهش نیز از روش رگرسیون انتقال ملایم تابلویی (PSTR) استفاده شد. نتایج حاصل از برآورد الگوی پژوهش به شرح زیر است:

- حکمرانی خوب با یک وقفه به عنوان متغیر انتقال برای تابع شادمانی دارای حدآستانه‌ای برابر با $0/34$ است. این حد نقطه انتقال تابع شادمانی و شروع رژیم حدی دوم را نشان می‌دهد. به عبارتی قبل از رسیدن شاخص حکمرانی خوب یک دوره قبل به حد $0/34$ ، تابع شادمانی در رژیم اول قرار دارد و پس از گذر شاخص حکمرانی خوب یک دوره قبل از حد مذکور، تابع شادمانی در رژیم دوم قرار می‌گیرد. شیب تابع انتقال برابر با $26/22$ است که بیانگر سرعت انتقال از رژیم اول به رژیم دوم می‌باشد.

- نرخ بیکاری در هر دو رژیم اثر منفی بر شادمانی داشته، اما این اثر در رژیم دوم ($-0/32$)، نسبت به رژیم اول ($-0/22$) افزایش یافته است. این یافته بیانگر آن است که با بهبود شاخص‌های حکمرانی، انتظارات جامعه برای دسترسی به فرصت‌های شغلی و رفاه اقتصادی افزایش می‌یابد. حکمرانی خوب معمولاً از طریق بهبود رشد اقتصادی و توزیع عادلانه‌تر منابع به افزایش شادی منجر می‌شود. اما اگر بهبود حکمرانی با رشد بیکاری همراه باشد، این مسیر واسطه‌ای مختل شده و رابطه معکوس بین بیکاری و شادی پررنگ‌تر می‌شود. به‌طور خلاصه، بهبود کیفیت حکمرانی بدون توجه همزمان به ایجاد اشتغال و مهار بیکاری، می‌تواند منجر به تناقضی شود که در آن افزایش انتظارات جامعه با واقعیت‌های اقتصادی ناهماهنگ است. این شکاف، تأثیرات منفی بیکاری بر شادی را تشدید می‌کند.

- نرخ رشد اقتصادی در رژیم اول اثر معناداری بر شادمانی نداشته، اما در رژیم دوم اثر مثبت و معناداری برابر با $0/06$ بر شادمانی داشته است. این نتیجه حاکی از آن است که تا قبل از بهبود یافتن کیفیت حکمرانی و رسیدن آن به حدآستانه، پارادوکس استرلین اتفاق افتاده و رشد اقتصادی به دلیل ضعف نهادهای حکمرانی، به بهبود کیفیت زندگی مردم و افزایش رضایت ذهنی و شادمانی آن‌ها منتهی نشده است. به عبارتی در حکمرانی ضعیف، رشد اقتصادی اغلب با نابرابری در توزیع درآمد، تضعیف ارائه خدمات دولتی در بخش آموزش و بهداشت، فساد و سوءمدیریت منابع همراه است. ملاحظه می‌شود که با ارتقاء کیفیت حکمرانی و گذر از حدآستانه در

کشورهای مورد مطالعه، رشد اقتصادی توانسته مطابق با انتظارات نظری به افزایش شادمانی مردم نیز کمک نماید. حکمرانی خوب با ایجاد نهادهای شفاف و پاسخگو، تضمین می‌کند که منافع رشد به‌طور عادلانه‌تری توزیع شود. حکمرانی مطلوب زمینه‌ساز سرمایه‌گذاری در آموزش، بهداشت و زیرساخت‌های اجتماعی است که مستقیماً بر کیفیت زندگی و شادی تأثیر می‌گذارند. به عبارتی نهادهای قوی پس از عبور از آستانه حکمرانی، امنیت قراردادهای، حقوق مالکیت و ثبات سیاست‌ها را تضمین می‌کنند که شرط لازم برای تبدیل رشد به رفاه را فراهم می‌آورد.

- وقفه اول شاخص شادمانی بر شادمانی دوره جاری در رژیم اول اثر معناداری نداشته، اما در رژیم دوم اثر مثبت و معناداری به اندازه ۰/۴۶ بر شادمانی برجای گذاشته است. به عبارتی با بهبود کیفیت حکمرانی، شادی در هر دوره از شادمانی دوره قبل متاثر شده است.

- در رژیم اول برآیند اثرگذاری شاخص حکمرانی خوب بر شادمانی اثر مثبت و معنادار برابر با ۰/۲ داشته است. در رژیم دوم نیز اثر حکمرانی خوب بر شادمانی مثبت و برابر با ۰/۴۴ می‌باشد. بر این اساس هرچند حکمرانی خوب در هر دو رژیم بر شادمانی اثر مثبت داشته است، اما پس از عبور از حد آستانه، کیفیت حکمرانی به اندازه‌ای بهبود یافته که منجر به تأثیر مثبت بیشتری بر رفاه ذهنی و در نتیجه شادمانی مردم شده است. به عبارتی بهبود کیفیت حکمرانی و رسیدن به حد آستانه در حکمرانی خوب، شرط لازم برای فعال شدن مکانیزم‌های افزایش شادی است، به طوریکه افزایش کیفیت حکمرانی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، از طریق ایجاد ثبات سیاسی و کاهش فساد، محیطی امن و با کاهش استرس و نگرانی ایجاد نموده و همچنین با ارائه خدمات کارا تر در زمینه آموزش و بهداشت، اتخاذ سیاست‌های مناسب برای توزیع بهتر درآمدها، حفظ حقوق و آزادی شهروندان به افزایش شادمانی کمک نموده است. این یافته با نتایج مطالعه فرجی دیزجی و همکاران (۱۴۰۲) مطابقت دارد.

- برآیند ضریب وابستگی به درآمد نفت در رژیم اول منفی و برابر با ۰/۰۹- است. به عبارتی وابستگی به درآمد نفت منجر به کاهش شادمانی مردم شده که موید نظریه نفرین منابع است و با نتایج مطالعات الماسه و حسنین (۲۰۲۲) و علی و همکاران

(۲۰۲۰) همسو می‌باشد. به عبارتی می‌توان گفت قبل از رسیدن شاخص حکمرانی خوب به حدآستانه (۰/۳۴)، وابستگی به نفت چون با پایین بودن کیفیت حکمرانی همراه است، منجر به ایجاد فعالیت‌های رانت‌جویانه و توزیع گزینشی رانت نفت بین گروه‌ها و احزاب سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و همچنین افزایش فساد شده و با افزایش اندازه دولت و کاهش توان بخش خصوصی یا به عبارتی افزایش اثر برون‌رانی، موجبات نارضایتی و کاهش شادمانی مردم را فراهم آورده است. بدین ترتیب تا زمانی که کیفیت حکمرانی هنوز به حدآستانه و مطلوب خود ارتقاء نیافته، وابستگی به نفت همچون یک مصیبت عمل کرده و به عبارتی پدیده نفرین منابع شکل گرفته است. این در حالی است که در رژیم دوم وابستگی به درآمد نفت بر شادمانی اثر معناداری نداشته است. بدین ترتیب با بهبود کیفیت حکمرانی و گذر آن از حدآستانه، کیفیت حکمرانی به مقدار مطلوبی رسیده و توانسته اثر منفی وابستگی به درآمدهای نفتی بر شادمانی را خنثی نماید. به عبارتی در رژیم دوم و به دلیل بهبود کیفیت حکمرانی، رانت نفت دیگر نه به صورت موهبت عمل کرده و نه به صورت مصیبت بروز یافته است. این یافته با نتایج مطالعه اسلسمن (۲۰۲۲) و اوپالیه و نواچاکی (۲۰۱۹) مطابقت دارد.

- تغییرات اقلیمی در رژیم اول اثر منفی برابر با ۲/۰۹- بر شادمانی داشته، اما در رژیم دوم اثر معناداری بر شادمانی نداشته است. بدین ترتیب قبل از اینکه کیفیت حکمرانی به اندازه‌ای بهبود یابد که به حدآستانه ۰/۳۴ برسد، به دلیل ضعف حکمرانی در کشورهای مورد بررسی، از اثرات منفی تغییر اقلیم بر سلامت روان و شادمانی افراد جوامع توسط دولت پیشگیری نشده است. این امر باعث شده که تغییرات اقلیمی به‌طور مستقیم و از طریق عواملی همچون افزایش دما، بروز خشکسالی، قحطی و غیره منجر به ایجاد تغییرات رفتاری، استرس، افسردگی و آسیب رساندن به سلامت روان مردم به عنوان سرمایه‌های انسانی شود. همچنین تغییرات اقلیمی با ایجاد ممانعت در پیشرفت‌های کلان اقتصادی به دلیل تخریب محیط‌زیست، امکان دستیابی به توسعه اقتصادی-اجتماعی را کاهش داده و منجر به افت کیفیت زندگی جوامع شده است. بدین ترتیب تغییرات اقلیمی به‌طور غیرمستقیم و از مسیر ایجاد فشارهای اقتصادی نیز به کاهش شادمانی مردم

انجامیده است. با این وجود بهبود کیفیت حکمرانی و ارتقای شاخص حکمرانی به سطحی بالاتر از ۰/۳۴، منجر به بی‌تاثیر شدن تغییرات اقلیمی بر شادمانی در کشورهای مورد بررسی شده است. به عبارتی همراستا با بهبود کیفیت حکمرانی، تنظیم مقررات مناسب برای کاهش تغییرات اقلیمی، کاهش آسیب‌های زیست‌محیطی ناشی از تغییرات اقلیمی و مقابله با فساد اداری که در راستای منافع گروه‌های خاص، به انتشار آلودگی و تخریب محیط‌زیست منجر می‌شود، در کشورهای مورد مطالعه صورت گرفته است که منجر به از بین رفتن اثر منفی تغییرات اقلیمی بر شادمانی شده است. این یافته با نتایج مطالعات حسابی (۱۳۹۴) و الماساه و حسنین (۲۰۲۲) همسو می‌باشد.

با توجه به نتایج حاصل از این مقاله توصیه‌های سیاستی زیر ارائه می‌گردد:

با توجه به اینکه بهبود کیفیت حکمرانی خوب و گذر آن از حد آستانه ۰/۳۴ علاوه بر ایجاد اثر مثبت بر شادمانی به از بین رفتن نفرین منابع نیز منتهی شده و همچنین منجر به بهبود شرایط اقلیمی نیز شده است، انجام اصلاحات در راستای بهبود کیفیت نهادهای حکمرانی باید در دستور کار برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران کشورهای مورد بررسی قرار گیرد. در این راستا اجرای سیاست‌های مناسب و اصلاح نظام اداری به منظور بهبود کارایی و اثربخشی دولت، انجام اصلاحات ساختاری در جهت کاهش بوروکراسی ناکارآمد، انتخاب مدیران بر اساس اصل شایسته‌سالاری و تقویت پاسخگویی دولت و ایجاد شفافیت در فرآیندهای تصمیم‌گیری می‌تواند راهگشا باشد. در رابطه با درآمدهای نفتی، بازنگری در قوانین مربوط به شفافیت قراردادهای نفتی و اصلاحات قانونی ضدفساد در زمینه درآمدهای نفتی، همچنین تقویت صنایع کشور و حمایت از صنایع تبدیلی برای افزایش ارزش افزوده و کاهش وابستگی اقتصادی به درآمدهای نفتی می‌تواند به افزایش شادی مردم کمک نماید. در رابطه با تغییرات اقلیمی نیز اجرای ضوابط زیست‌محیطی، اجرای استانداردهای سخت‌گیرانه برای مصرف انرژی در صنایع، ساختمان‌ها و حمل‌ونقل و تدوین برنامه‌های زمان‌بندی شده برای کاهش وابستگی به زغال‌سنگ و نفت، به‌ویژه در بخش انرژی نیز می‌تواند به افزایش شادمانی مردم منجر شود.

منابع

- آسایش، حمید، شمس اللهی، رضا، کمالی، مهدی و مقصودی، سپهر. (۱۴۰۳). تأثیر حکمرانی خوب بر شادی در کشورهای منتخب منا الگوی خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی پانلی (Panel ARDL). اقتصاد و تجارت نوین، ۱۹ (۶۲)، ۱-۲۷.
- اصغری‌پور، حسین، برادران خانیان، زینب. (۱۳۹۷). اثرات نامتقارن درآمدهای نفتی بر کسری بودجه دولت در ایران: رویکرد رگرسیون کوانتایل. بررسی مسائل اقتصاد ایران، ۵، ۲ (۱۰)، ۱-۲۷.
- بشخور، مرجانه. (۱۴۰۲). راهبردهای توسعه بازار سرمایه براساس قانون بودجه سال ۱۴۰۲. ماهنامه علمی «امنیت اقتصادی»، ۱۱ (۲)، ۲۱-۳۰.
- بهرامی نیا، ابراهیم، نورانی آزاد، سمانه، ایزدی، سید حسین، شمس اللهی، رضا. (۱۴۰۳). تأثیر آستانه‌ای توسعه مالی بر انتشار گاز دی‌اکسیدکربن با تأکید بر نقش حکمرانی خوب. پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران. ۱۳ (۴۹)، ۱۱-۴۲. doi: 10.22054/jiee.2024.75003.2026
- بیات بقایی، فرود، سیفی پور، رویا، محمدی، تیمور، و محرابیان، آزاده. (۱۴۰۰). بررسی نقش کیفیت نهادی در رابطه وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی در ایران: رهیافت فیلتر کالمن. مدل‌سازی اقتصادسنجی، ۶ (۳) (پیاپی ۲۲)، ۱۲۳-۱۴۹.
- تن قطاری، حسنا. (۱۴۰۱). ارزیابی اثر حکمرانی خوب بر عملکرد تغییرات اقلیمی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه کردستان.
- جعفری، محبوبه، و شایگان مهر، سیما. (۱۴۰۰). نابرابری درآمدی و نفرین نفت: مطالعه کشورهای غنی از انرژی نفت. مطالعات اقتصاد انرژی، ۱۷ (۷۱)، ۶۷-۱۱۲.
- حسابی، حدیث. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر کیفیت محیط‌زیست بر شادمانی. پایان نامه کارشناسی ارشد، وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری - دانشگاه علامه طباطبائی - دانشکده علوم اقتصادی.
- حسابی، حدیث، خورسندی، مرتضی، عباسی نژاد، حسین، و دهقان شورکند، حسن. (۱۳۹۷). اثر عملکرد محیط‌زیست بر شادمانی: تحلیل بین کشوری. مدل‌سازی اقتصادی، ۱۲ (۲) (۴۲)، ۴۹-۷۲.

- زمان زاده، حمید، الحسینی، صادق. (۱۳۹۱). اقتصاد ایران در تنگنای توسعه. نشر مرکز، تهران.
- دامن باغ، صفیه و سجادیان، ناهید. (۱۴۰۲). تحلیل اثرگذاری محیط طبیعی و زیست‌بوم بر احساس نشاط شهروندان (مطالعه موردی: محلات منتخب شهر رودکناری اهواز). مطالعات جغرافیایی نواحی ساحلی، ۴ (۲)، ۴۴-۱۵.
- شیخ بیکلو اسلام، بابک. (۱۳۹۸). پیامدهای تغییر اقلیم جهان بر سلامتی روان، همایش بین‌المللی تغییر اقلیم، پیامدها، سازگاری و تعدیل، تهران، <https://civilica.com/doc/1019680>.
- صادقی‌نیا، علیرضا؛ رفعتی، سمیه و صداقت، مهدی. (۱۴۰۰). تحلیل فضایی تغییرات اقلیمی در ایران، نشریه تحلیل فضایی مخاطرات محیطی، ۸ (۴): ۷۰-۵۵.
- صداقت کالمرزی، هانیه، فتاحی، شهرام، سهیلی، کیومرث. (۱۴۰۰). بررسی اثرات متقابل رشد اقتصادی و شادمانی در چارچوب فرضیه نفرین منابع و معمای استرلین: رویکرد پانل معادلات همزمان پویا. پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۱۲ (۴۵)، ۳۱-۴۲.
- صداقت کالمرزی، هانیه، فتاحی، شهرام، سهیلی، کیومرث. (۱۳۹۸). مطالعه اثرات رانت نفت بر نابرابری شادمانی در کشورهای منتخب صادرکننده نفت رفاه اجتماعی؛ ۱۹ (۷۵): ۸۵-۵۷.
- صداقت کالمرزی، هانیه، فتاحی، شهرام، سهیلی، کیومرث. (۱۳۹۹). رانت نفت: شادمانی آفرین یا محنت بار؟. مدلسازی اقتصادسنجی، ۵ (۴)، ۳۱-۹.
- عرب پور، الهام. (۱۴۰۲). بررسی وضعیت شاخص‌های زیست‌محیطی ایران از منظر جامعه‌شناختی. مطالعات توسعه اجتماعی-اقتصادی، ۱ (۱)، ۳۳۵-۳۰۴.
- فرجی دیزجی، سجاد، ضیغمی دهاقانی، فاطمه، صادقی، حسین. (۱۴۰۲). اثرات رانت منابع طبیعی و حکمرانی خوب بر شادکامی در کشورهای منتخب (رویکرد گشتاور تعمیم‌یافته). فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد مقداری، ۲۰ (۲)، ۳۱-۱.
- کریمی‌پور، یدالله. (۱۳۹۰). الگولوژی سیاسی، تهران: نشر انتخاب.

- گل خندان، ابوالقاسم، و علیزاده، محمد. (۱۳۹۷). تأثیر غیرخطی شهرنشینی بر مخارج بخش عمومی: رویکرد الگوی رگرسیون انتقال ملایم. اقتصاد شهری، ۳(۱)، ۴۳-۵۸.
- محمدزاده، یوسف، قهرمانی، هادی. (۱۳۹۶). نقش حکمرانی خوب و اندازه دولت بر روی عملکرد محیط‌زیست در کشورهای منتخب جهان. محیط شناسی، ۴۳(۳)، ۴۷۷-۴۹۶.
- محمدیان منصور، صاحبه، گلخندان، ابوالقاسم، خوانساری، مجتبی، گلخندان، داود. (۱۳۹۴). تحلیل عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر شادی (یک تحلیل اقتصادسنجی با در نظر گرفتن محدودیت‌های مذهبی. برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۶(۲۵)، ۱۶۳-۱۲۵.
- منصف، عبدالعلی، معلمی، مژگان، بیابانی، جهانگیر، نجاتی، مهدی، طاهری زاده اناری پور، جواد. (۱۳۹۸). بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر شادمانی در کشورهای منتخب: رهیافت رگرسیون آستانه‌ای پانل. پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۹(۳۶)، ۳۴-۱۵.
- ناصری، علی رضا، فرجی دیزجی، سجاد، پورسلیمی، حمید رضا. (۱۳۹۶). رانت منابع طبیعی، فساد و حکمرانی خوب (شواهدی از کشورهای دارنده منابع طبیعی). فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی. ۱۳ (۵۵): ۱۰۷-۱۳۲.
- Alesina, A. , Di Tella, R. , & MacCulloch, R. (2004) , Inequality and happiness: are Europeans and Americans different?, Journal of public economics, 88 (9-10) : 2009-2042 .
- Ali, S. , Murshed, S. M. , & Papyrakis, E. (2020). Happiness and the resource curse. Journal of Happiness Studies, 21 (2) , 437-464.
- Anitasari, M., & Ariska, Y. I. (2025). Study Of The Influence Of Public Expenditure And Macroeconomic Variables On The Happiness Index In Sumatera. EKOMBIS REVIEW: Jurnal Ilmiah Ekonomi dan Bisnis, 13(1), 403-414.
- Argyle, M. (2013) , The psychology of happiness, Routledge .
- Astor, M. (2018). Want to be happy? Try moving to Finland. The New York Times.[Last accessed on 2018 Mar 14.]

- Behera, D. K., Padmaja, M., & Dash, A. K. (2024). Socioeconomic determinants of happiness: Empirical evidence from developed and developing countries. *Journal of Behavioral and Experimental Economics*, 109, 102187.
- Carabelli, A. M. , & Cedrini, M. A. (2011) , The economic problem of happiness: Keynes on happiness and economics, In *Forum for Social Economics*, 40 (3) : 335-359 .
- Eddington, N. & Shuman, R. (2004). Subjective well-being. Presented by Continuity Psychology Education. *The Journal of Personality & Social Psychology*, 34 (8) , 41-57..
- Esty, D. C., & Porter, M. E. (2005). National environmental performance: an empirical analysis of policy results and determinants. *Environment and development economics*, 10(4), 391-434.
- Elmassah, S. , & Hassanein, E. A. (2022). Can the Resource Curse for Well-Being Be Morphed into a Blessing? Investigating the Moderating Role of Environmental Quality, Governance, and Human Capital. *Sustainability*, 14 (22) , 15053 .
- Easterlin, R. A. (1995) , Will raising the incomes of all increase the happiness of all?, *Journal of Economic Behavior & Organization*, 27 (1) : 35-47 .
- Field, C. B. , & Barros, V. R. (Eds.). (2014). *Climate change 2014–Impacts, adaptation and vulnerability: Regional aspects*. Cambridge University Press.
- Frey, B. & Stutzer, A. (2002). “What Can Economists Learn from Happiness Research?”. *Journal of Economic Literature*. 40 (2) , 402-435 .
- Graham, C. (2011). “The Pursuit of Happiness on Economy of Well-Being”. Washington, D. C. : Brookings Institution Press .
- Hailu, D. , & Kipgen, C. (2017). “The extractives dependence index (EDI) ”. *Resources Policy*, 51, 251-264 .
- Hu, Y.; Xiao, D. The threshold of economic growth and the natural resource curse. *Manag. World* 2007, 4, 15–23.
- Knabe, A. , & Rätzl, S. (2010) , Income, happiness, and the disutility of labour, *Economics Letters*, 107 (1) : 77-79 .

- Ko, J., Leung, C. K., Chen, X., & Palmer, D. A. (2024). From emissions to emotions: Exploring the impact of climate change on happiness across 140 countries. *Global Transitions*, 6, 231-240.
- Lashitew, A.; Werker, E. Do natural resources help or hinder development? Resource abundance, dependence, and the role of institutions. *Resour. Energy Econ.* 2020, 61, 101183.
- Lee, B., Kim, H., & Tavakoli, A. (2023). The impact of economic growth, inflation and unemployment on subjective financial satisfaction: a new global evidence. *Cogent Economics & Finance*, 11(2), 2287908.
- Mignamissi, D. , & Kuete, Y. F. M. (2021). Resource rents and happiness on a global perspective: The resource curse revisited. *Resources Policy*, 71, 101994 .
- Nademi, Y. (2018). "The Resource Curse and Income Inequality in Iran". *Quality & Quantity*, 52 (3) , 1159-1172 .
- Nguyen, B. K. Q., & Le, V. (2021). The relationship between global wealth and happiness: An analytical study of returns and volatility spillovers. *Borsa Istanbul Review*, 21, S80-S89.
- Ogundiya, I.S. (2010). Democracy and Good Governance: Nigeria's Dilemma. *African Journal of Political Science and International Relations*. 4(6), 201-208.
- Oishi, S., Cha, Y., Komiya, A., & Ono, H. (2022). Money and happiness: the income–happiness correlation is higher when income inequality is higher. *PNAS nexus*, 1(5), pgac224.
- Ouwenel, P. (2002). "Social Security and Well-Being of the Unemployed in 42 Nations". *Journal of Happiness Studies*, 3 (2) , 167-192 .
- Ruprah, I. J. , & Luengas, P. (2011) , Monetary policy and happiness: Preferences over inflation and unemployment in Latin America, *The Journal of Socio-Economics*, 40 (1) : 59-66 .
- Sinha, A.; Sengupta, T. Impact of natural resource rents on human development: What is the role of globalization in Asia Pacific countries? *Resour. Policy* 2019, 63, 101413
- Slesman, L. (2022). The elusive curse of natural resources on happiness. *Resources Policy*, 79, 103112 .

- Van Praag, B. M. , Van Praag, B. , & Ferrer-i-Carbonell, A. (2004) , Happiness quantified: A satisfaction calculus approach, Oxford University Press .
- Wilson, E. O. (2000). Sociobiology. Harvard University Press .
- Zallé, O. (2019). Natural resources and economic growth in Africa: The role of institutional quality and human capital. Resour. Policy 2019, 62, 616–624.